

**\*بررسی صلاحیت داوطلبان باید دقیق، مستند و مستدل باشد**

فتح الله امني  
صفحه ۲

ملت بود صفحه ۱۲

رابط عمومی شرکت بهره‌برداران نفت و گاز کارون

## روابط عمومی شرکت آلومینای ایران











## ۹درص پهنه تهران در حریم گسل های زلزله قرار دارد

۸۱کیلومتر مربع از پهنه کلاتهر تهران که حدود ۹ درصد از مساحت پایتخت را شامل می شود، در حریم گسل های نیمه فعالی واقع شده که با اولین لرزش زمین موجب تخریب کامل صدها ساختمان بلند در این منطقه خواهد شد.
دکترمحمدکرجچی زاده رئیس مرکز تحقیقات راه،مسکن وشهرسازی دیروز در آستانه شانزدهمین سالگرد وقوع زمین لرزه دلخراش شهرستان یم و همزمان با دومین سالگرد زلزله سرپل ذهاب، گفت: تحت هیچ شرایطی نباید اجازه ساخت و ساز بنا در این محلات صادر شود. البته ممنوعیت احداث ساختمان‌های مهم روی گسل زلزله به شهرداری مناطق تهران ابلاغ شده است. وی با اشاره به اینکه بر اساس قانون جدید مدیریت بحران،این مرکز تحقیقاتی موظف به ارائه اطلاعات و آوری آئینه موجود در قبال حوادث مختلف شده است،گفت:مقاوم سازی سازه ها و بررسی راه های جلوگیری از فرونشست زمین از دیگر اولویتهای جدید ابلاخی به این مرکز است،بنا براین با درخوستی که به سازمان برنامه و بودجه صورت گرفت خوشبختانه برای سال آینده برای تاب آوری بودجه ای در نظر گرفته شده است.
شکری چیه زاده ادامه داد: اخیراً نقشه گسل های پرانکده شده در شهر تهران، تبریز، کرمان، کرج و مشهد را تهیه کرده ایم و به تمامی دستگاههای مسئول اعلام شده که هرگونه ساخت و ساز جدید در اطراف گسل‌های مذکور ممنوع است. البته متأسفانه بخشی ازاین گسل ها در بافت فرسوده قرار دارند و ویژگی میزان خطر را در چندان می کند.

گزارش خبرنگارما حاکیست: با وجود هشدارهای مکرر مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی مبنی بر مخاطرات جدی هرگونه ساخت و ساز در محلات فرسوده و اطراف گسل های تهران، همچنان شهرداری مناطق مختلف درحال صدور مجوزهای جدید ساخت و ساز در این محلات هستند.

وی خاطرنشان کرد: در خصوص مقاومسازی ساختمان‌هایی که در پهنه گسل‌های اصلی و همچنین تپه فرسوده شهرها هستند، هشدارهای لازم به مسئولان سازمان‌ها،نهادهای دستگاه‌های مرتبط اعلام و ابلاغ شده‌که مقاوم سازی ساختمان‌های حریم گسل‌های اصلی در بافت فرسوده شهرها حتماً انجام شود. رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی افزود: تپه‌های حضور ساختمان‌های مهم، بیمارستان‌ها و مراکز حیاتی در حریم گسل های اصلی این شهرها تهیه و تصویب شده و در حال احصا است تا مقدمات جبه جایی آنها برای فرسود البته ما نمی توانیم سازمان‌های موجود در اطراف گسل های منابع آبهایی زیرزمینی پهنه آبهایی را پوشش دهی از تهران شامل ساختمان‌ها، پل ها و خوابان ها به ویژه محلات جنوب شهر دچار فرونشست شوند که این مساله هم بسیار خطرناک است.به گفته شکرجی زاده همزمان با برپایی دومین کنفرانس و نمایشگاه بین المللی صنعت ساخت با حضور نمایندگان ای از عراق، قطر، عمان و جمهوری آذربایجان که تا ۸ تا ۱۰ دی در هتل المپیک تهران برگزار می‌شود، بطور جدی به موضوع تاب آوری ساختمان‌ها و محلات فرسوده شهرها می پردازیم.

## نرخ محاسباتی ارز در بودجه سال آینده ۴۲۰۰ تومان پیش بینی شده است

نرخ ارز در بودجه پیش‌بینی نمی‌شود بلکه نرخ محاسباتی در برآورد می‌شود که برای این نرخ در لایحه بودجه سال ۹۹ کل کشور، عدد ۲۲۰۰ تومان پیش‌بینی شده است.

این مطلب را فرهاد دژیپسند وزیر امور اقتصادی و دارایی در جلسهٔ مراسم روز حسابدار اعلام کرد و پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا طرح معافیت مالیاتی هنرمندان پشتوانه کارشناسی دارد؟ اظهار داشت: این بحث هم اکنون یک طرح و طرحی مدبریت بحران، این مرکز تحقیقاتی موظف به ارائه اطلاعات و بررسی قرار بگیرد. البته ۲۵ کارشناس اقتصادی را برای بررسی این موضوع دعوت به تحلیل و موشکافی کرده ام تا با نارضایتی عموم مواجه نشویم.

وی در ادامه به درآمد برآورد شده برای مالیات سال آینده اشاره کرد و گفت: در بودجه سال ۹۹ درآمد مالیاتی حدود ۱۶۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است و بنا به شرایط اقتصادی این عدد را مناسب دانستیم چرا که پارسل ۱۰۹ هزار میلیارد تومان درآمد برآورد شده بود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی همچنین در این مراسم یکی از علل مهم بروز فساد مالیی را بی توجهی به حسابداری بیان کرد و گفت: از روز اول کارم، حسابرسان شرکت‌ها در دورای عوض کردم به گزارش مهر، وی را اظهار اینکه جایگاه حوزه حسابداری در جامعه تخصصی کشور یک حلقه مفقوده محسوب می‌شود، افزود: تاکنون نقش حسابداری در جامعه و حکمرانی خوب مورد توجه نبوده است؛ البته هنوز به خوبی نبینم شده که اگر جایگاه حسابداری ارتقا یابد، نقش مهمی در حکمرانی خوب، شفافیت، پاسخگویی و سالم‌سازی خواهد داشت.

دژیپسند ادامه داد: یکی از علل عمده بروز فساد مالی

از یک زاویه بی توجهی به جایگاه درست حسابداران در سلسله مراتب اداری است؛ چه این بی توجهی از سوی حکومت باشد و چه از سوی صاحبان حرف حسابداری. اگر حسابداری می‌خواهد به کارکرد اصلی خود دست یابد، باید آساندگی به به امضای متخصصین می‌رسد، از چنان قوتی برخوردار باشد که جای هیچ گونه تاملی نداشته باشد.

و لازمه نخست این امر استقلال حرفه‌ای است که لزوماً هم مواجه با دولت و رقیا نیست. استقلال حرفه‌ای یعنی

حقن را بگیریم یعنی اگر این حق خلاف منافع خود و همگروهی‌ها باشد.

وی افزود در صورتی که عملکردها با منافع شخصی و گروهی هر، بخورد، استقلال حرفه‌ای آسیب بیند. اگر

### همه چالش‌های بخش کشاورزی در تغییر رفتار با خاک قابل حل است

به عنوان مثال ما باید نهضتی ایجاد کنیم که طی پنج سال گاوهای از کشاورزی کشور حذف شود. وی با اشاره به اینکه همه ارگان‌ها باید نسبت به خاک مسئول هستند و اهمیت خاک باید عمومی شود، اضافه کرد: کشاورزان کشور جزو پیشرفته ترین و دقیق ترین افراد هستند و مشکل ما کشاورزان را نیستند، بلکه مشکل، بینش نامست، باید به موجودات زنده درون خاک، و ارتقای سلامت و کیفیت آن توجه شود کنیم؛ چرا که همه ازجمله خاک به نفع خود نیستند، بلکه بیشتر به نفع ماست.

کشاورز تصریح کرد: سازمان های تحقیقاتی

محققان کشاورزی از جمله سازمان تحقیقات باید به نفع اه بهداشت و همه متخصصان و کارشناسان مربوطه باید درگیر این پدیده نور شوند.

وی با تأکید بر اینکه ما یک نقشه راه جدید

برای اینکه رفتارهای مان منطبق با وضع خاک باشد، نیاز داریم، تصریح کرد: باید توانیم خاک را افزایش

ببینیم و با بهینه کردن همه عملیات زراعی و مصرف

کرد، ماده آلی خاک را افزایش دهیم و با حداقل

فرایش به سمت احیای آن حرکت کنیم، در غیر

این صورت کار ما بسیار دشوار می شود و می توان

گفت که کار آیدنگان شاید ناممکن باشد.

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خاوازی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

جلسه گفت:

سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه

نقشه خاک کشور طی پنج سال آماده می شود،

برنامه‌های حفاظت از خاک وزارت جهاد کشاورزی

را تشریح کرد.همچنین کاظم خواوزی رئیس سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حاشیه این

























**مدیریت شعب بانک کشاورزی استان آذربایجان غربی** در نظر دارد املاک مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی به شرح مندرج در جدول ذیل بصورت نقدی و اقساطی به فروش برساند متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت **۱۵** روز، همه روزه به استثنای روزهای تعطیل از ساعات ۸ لغایت ۱۴ جهت کسب اطلاعات بیشتر **برای شرکت در مزایده به نشانی ارومیه- خیابان کاشانی -مدیریت شعب بانک کشاورزی استان آذربایجان غربی - طبقه سوم- طبقه چهارم امور حقوقی** مراجعه نمایند. **حداکثر مهلت شرکت در مزایده ۱۵ روز از تاریخ انتشار اولین آگهی می باشد. متقاضیان برای شرکت در مزایده بایستی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس www.setadiran.ir اقدام نمایند.**

اموال مزایده شده در ۲ جدول «الف و ب» با شرایط زیر برای مزایده عرضه می گردد:
**جدول الف:** واگذاری کلیه املاک این جدول در خصوص املاک با کاربری مسکونی، تجاری و یا تجاری مسکونی بصورت نقد (واگذاری مالکیت) و املاک با سایر کاربریها بصورت نقد، نقد و اقساط (واگذاری از طریق عقد قرارداد اجاره بشرط تملیک) می باشد.

**جدول ب:** واگذاری کلیه املاک این جدول بصورت نقد (صلح حقوق اجرایی) می باشد.

۱- این آگهی در دو نوبت و به تاریخهای زیر منتشر می شود.
تاریخ انتشار آگهی نوبت اول: **۹۸/۰۹/۰۹ (انتشار در روزنامه اطلاعات)**
تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم: **۹۸/۰۹/۱۳ (انتشار در روزنامه اطلاعات)**
۲- هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می باشد و بانک در هر یک یا تمامی قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
۳- اوراق شرکت در مزایده در واحد دبیر خانه به آدرس فوق الذکر موجود می باشد و پیشنهاد دهندگان باید یک نسخه از

آن را دریافت و با قید قبولی امضاء کرده و به پیشنهاد خود ضمیمه و به انضمام **فیش واریزی مربوط به ۵ درصد قیمت پایه** در پاکت لاک و موم شده (با قید مربوط به ملک ردیف « » آگهی) تسلیم و رسید دریافت نمایند. برای هر ملک باید پیشنهاد و اوراق و پاکت مستقل تهیه و تنظیم و تکمیل و امضاء شده ارائه گردد.
۴- پیشنهادات میهم، مشروط و بدون سپرده و دارای لاک گرفتگی یا قلم خوردگی نباشد و پیشنهاداتی که بعد از اقبضای مدت مقرر در آگهی واصل گردند، مردود بوده و ترتیب اثر داده نمی شود.

۵- در شرایط مساوی اولویت با مالک قبلی ملک خواهد بود. وجوه واریزی نقرات دوم و سوم تا تعیین تکلیف نهایی برنده مزایده مسترد نخواهد شد.

۶- مزایده با هر تعداد پیشنهاد واصله برای هر یک از املاک اعم از یک پیشنهاد یا بیشتر برگزار خواهد شد و شرکت در مزایده و ارائه پیشنهاد به منزله قبول امتیازات و تکالیف دستگاه مزایده گذار موضوع ماده ۱۰ آئین نامه معاملات دولتی می باشد.

۷- در صورت ارائه تقاضای خرید به صورت اقساطی برای املاک غیر مسکونی و غیر تجاری و یا غیر مسکونی تجاری جدول الف، پس از اعلام برنده مزایده پیشی پرداخت به صورت نقدی برابر شرایط اعلامی بشرح زیر و طی ابلاغیه کتبی الزامی است. در این موارد پرداخت ۹۰ درصد مابقی حداکثر در مدت ۶۰ ماه میبایشد. در شرایط برابر اولویت با پیشنهاد نقدی می باشد.

**\*پرداخت حداقل ۱۰ درصد از قیمت پیشنهادی بصورت نقد نرخ سود واگذاری برای املاک غیر مسکونی و غیر تجاری و یا غیر مسکونی تجاری**

**\*پرداخت حداقل ۲۰ درصد از قیمت پیشنهادی بصورت نقد نرخ سود واگذاری برای املاک مسکونی و تجاری و یا مسکونی تجاری**

## « آگهی مزایده عمومی اموال مازاد غیر منقول »

۸- کلیه املاک جدول الف وب با وضیت موجود و طبق مفاد اسنادات انتقال اجرایی و اسنادات مالکیت صادر شده و اگذار می گردند و در صورت وجود متصرف، خلع بدو تخلیه و وضع بدو تصرف بر عهده خریداری می باشد و در صورت نیاز به اصلاحات ثبتی اعم از اداقم، تفکیک، افراز، تجميع اصلاح سند، دریافت سند ششداگ، رفع مغایرت، اصلاح حدود و غیره را هر نوع که باشد و طی کلیه مراحل آن معیده و یا هزینه خریدار میبایشد و بانک هیچگونه هزینه ای از این بابت پرداخت نمی نماید و بانک هر گونه مسئولیتی را از خود سلب و اسقاط می نماید. شرکت کننده در مزایده با امضای اوراق شرکت در مزایده هر گونه دعای احتمالی موجود و آتی را با بانک صلح نمود.

۹- کلیه املاک جدول ب بر اساس مدارک و مستندات برپونده های اجرایی اداره ثبت اسنادات و املاک حوزه مربوطه بسا عقد صلح حقوق اجرایی و **بصورت نقدی** و اگذار میگردد و کلیه هزینه های ثبتی اجرایی و هزینه ها و اقدامات بعد از صلح مربوط به اخذ اسناد مالکیت و خلع بدو تخلیه بد متصرف و وضع بدو تحویل و تحول ملک بر عهده برنده می باشد. شرکت کننده در مزایده با امضای اوراق شرکت در مزایده هر گونه دعای احتمالی موجود و آتی را با بانک صلح نمود.

۱۰- اخذ کلیه مجوزها و پروانه های مربوطه در صورت دارا بودن شرایط از ادارات ذیربط بر عهده خریدار خواهد بود.
۱۱- کلیه هزینه های ثبت قرائت و داد و صدور اسناد انتقال قطعی و سند مالکیت در دفتر خانه اسناد رسمی اداره ثبت به عهده برنده مزایده خواهد بود.

۱۲- باز دید از املاک و مطالعه مدارک و سوابق مربوطه قبل از شرکت در مزایده برای تمامی شرکت کنندگان در مزایده الزامی می باشد و امضای اوراق مزایده و شرکت در مزایده به منزله باز دید از املاک و مطالعه مدارک و سوابق مربوطه توسط شرکت کننده بوده و هر گونه ادعایی برخلاف آن مردود می باشد.

۱۳- در املاکي که نیاز به تفکیک و اصلاح باشد در صورت بروز مشکلات در خصوص تفکیک و قطعی شدن امدان امکان



### مرحله اول (نوبت دوم)

#### باصلاحات

تفکیک و عدم امکان استفاده بدون تفکیک، وجوه واریزی عینا به خریدار هیچگونه ادعایی نخواهد داشت. در اینصورت وجوه واریزی شامل سود و یا خسارت و یا تحت هر عنوان دیگر نخواهد بود.

۱۴- بانک در رد یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

۱۵- قطعیت معامله منوط به موافقت ادارات مرکزی بانک کشاورزی (تهران) می باشد.

۱۶- برای شرکت در مزایده ارائه فیش واریزی به میزان ۵۰ درصد قیمت پایه هر ملک به صورت نقدی نزد بانک کشاورزی شعبه محل وقوع ملک یا هر یک از شعب بانک کشاورزی در استان آذربایجان غربی به حساب پستالکاران موقت- متفرقه- کد ۱۷۵۲ بابت مزایده الزامی است. هرگاه نقرات اول و دوم و سوم از عقد قرارداد امتناع نمایند سپرده آنها ضبط خواهد شد.

۱۷- آگهی نوبت دوم در تاریخ **۱۳۹۸/۰۹/۱۲** در روزنامه اطلاعات منتشر خواهد شد.

۱۸- با کتشیای دریافتی از متقاضیان مربوط به املاک ذیل راس ساعت ۱۰۳۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۸ در محل مدیریت شعب بانک کشاورزی استان آذربایجان غربی به نشانی ارومیه - خیابان کاشانی - مدیریت شعب بانک کشاورزی - طبقه چهارم - سالن کنفرانسی بازگشایی خواهد شد.

۹- شرکت کنندگان در مزایده می توانند در موعد مذکور، با ارائه کارت شناسایی معتبر به همراه ارائه رسید تحویل پاکت مزایده یا فیش واریز ۵ درصد شرکت در مزایده در جلسه شرکت نمایند.

۱۹- متقاضیان برای شرکت در مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) اقدام نمایند.

بدیهی است عدم حضور شرکت کنندگان مزایده در جلسه مذکور، تحت هر شرایط و به هر دلیل اعم از موجه و غیر موجه مانع از انجام مزایده و بازگشایی پاکت ها نخواهد بود.

**مدیریت شعب بانک کشاورزی استان آذربایجان غربی**

جدول شماره الف (واگذاری مالکیت املاک بصورت نقد یا نقد و اقساط)					
ردیف	نام شعبه	آدرس	مشخصات ثبتی ملک	نوع ملک	متراژ
					عرصه
۲۵	ارومیه	ارومیه - جاده طلایه - فرسیده به روستای واصلو	مقدار چهار دهم سهم مشاع از ۱۵ سهم عرصه و اعیان ششداگ پلاک ۱۶۱ افرعی از ۱۸۵ اصلی و واقع در بخش ۱ ارومیه	زراعی باغی	دارای اعیانی های ششداگ کل مساحت ۶۸۹۵۰ متر مربع و زمین مساحت هم ۱۸۳۸/۷ متر مربع به مساحت کل مترمربع ۶۶۵ می باشد
۲۶	ارومیه	ارومیه - روستای آخته خانه	مقدار ۵۱ سهم از ۸۸ سهم ششداگ پلاک ۳۸۶ افرعی از ۱۳ اصلی مغروز و معجزی شده از ۱۲ افرعی از اصلی مذکور بخش ۱۴ شهرستان سلماس	مسکونی	۴۷۴/۹۸
۲۷	ارومیه	ارومیه - خیابان شهید باهنر - خیابان شهید نعمانی - پلاک ۱۸۰	مقدار ۵۷ سهم مشاع از ۲۲۲ سهم ششداگ خانۀ پلاک ۲۴۴۳ افرعی از ۱۳۸۹ افرعی از ۱۴ اصلی بخش ۱ ارومیه	مسکونی	۵/۴۲۲
۲۸	ارومیه	ارومیه - جاده مهاباد - خیابان شهید نایین	مقدار یک دانگ و یک سوم دانگ مشاع از ششداگ پلاک ۳۲۷ افرعی از ۲۹۲ افرعی از ۱۶ اصلی واقع در بخش ۱۲ ارومیه	مساحت برابر سند ۵۷۰۰	۳۶۶
۲۹	ارومیه	ارومیه - خیابان میمن - خیابان هادی - کوی دوم استاندارد - بیست متر میلاذ - کدپستی ۵۷۱۹۷۳۸۵	مقدار ۵۳ سهم از ۱۰۰ سهم ششداگ پلاک ثبتی ۲۷۳۸ افرعی از ۴۱ افرعی از ۱۰ اصلی بخش ۱ ارومیه	مسکونی	۲۰۴
۳۰	ارومیه	ارومیه - واقع در ۲۰ کیلومتری اوتیان ارومیه، مهاباد - روستای عربلو	مقدار ۳ سهم از ۳۱ سهم عرصه و اعیان ششداگ پلاک ۱۲۸ افرعی مجزی شده از پلاک ۳ افرعی از یک اصلی بخش ۱۳ ارومیه	مرغداری	مساحت ششداگ ۷۶۳۲۷/۸۶ ششداگ ۳۳۸۶
۳۱	ارومیه	ارومیه - خیابان امین - خیابان دیانت - ترسیده به تقاطع حکمت - پلاک ۱۱۴	مقدار ۱۵ سهم مشاع از ۷۰ سهم ششداگ یکپا یک خانه قطعه ۱۷ تفکیکی بشماره ۳۷۷۴ افرعی از ۲۸۵ افرعی از ۹ اصلی بخش ۱ ارومیه	مسکونی	۴۳۵/۸۳
۳۲	ارومیه	ارومیه - جاده نازلو - روستای نیلان	مقدار ۴۰ سهم از ۷۰ سهم از ۳۱ سهم اصلی واقع در بخش ۱۷ ارومیه	دامداری	۱۸۱۰/۱۸۸
۳۳	بوکان	بوکان - یلوار آزادی - کوی محمدیه - طبقه بالا - کوچه گل محمدی ۷ - پلاک دوم سمت چپ	مقدار ۲/۸۷ سهم دانگ مشاع از ششداگ عرصه و اعیان پلاک ۱۸۶ افرعی از ۷۷ افرعی از ۱۱۳۱ اصلی واقع در بخش ۱۷ بوکان	مسکونی	۳۰۰
۳۴	بوکان	بوکان - روستای آلیلاغ	مقدار ۴۰/۴۴ سهم مشاع آبی از ۳/۵ سهم آبی و دیمی مستثنیات اراضی مزروعی از دودانگ مشاع و هشت سهم و چهار شعیر ششداگ قریه آلیلاغ دارای پلاک ۱۲۴ اصلی واقع در بخش ۱۷ بوکان	مساحت ششداگ ۲۰۰۰۰	۵۰۲۵
۳۵	چالدران	چالدران - روستای حراملو	ششداگ عرصه و اعیان یک واحد دامداری به پلاک ۳۵ افرعی از ۲۰۴ اصلی بخش ۱ خوی	دامداری	۱۳۶۴
۳۶	پلدشت	پلدشت - روستای قوطان	مقدار ۵/۶ سهم مشاع از ۳۰۰ سهم آبی از ۵۲۲ سهم از سه سهم مشاع از ۴ دانگ قریه قوطان	مرغداری	۱۰۴۷۷۲
۳۷	قره ضیاء الدین	قره ضیاء الدین - یلوار شهید چمران - جنب اداره دارایی	مقدار ۲/۲۴ سهم مشاع از ششداگ یکپا یک خانه بشماره پلاک ثبتی ۸۴۲ افرعی از ۱۳۶ اصلی بخش ۶ چابپاره	مساحت ششداگ ۲۷۵/۵	۲۹۳/۹۵
۳۸	قره ضیاء الدین	قره ضیاء الدین - امتداد شرقی یلوار انقلاب	مقدار ۲/۳۸ سهم مشاع از ششداگ پلاک ۲۲۳۰ افرعی از ۱۳۶ اصلی بخش ۶ چابپاره	دامداری	۸۷۷۵
۳۹	سردشت	سردشت - فلکه علامه یبوشی - نیش خیابان شهید چمران - پلاک ۲۱	مقدار ۸۰/۴۴ سهم مشاع از ۳۰۰ سهم مشاع از ۵۸۳۳۵۷۳۰ افرعی از ۵۸۳۲۱ اصلی بخش ۱۱ سردشت	مسکونی	۱۲۷/۵۵
۴۰	سردشت	سردشت - خیابان اسناد هیمن - خیابان دانش - پشت ساختمان خوابگاه دخترانۀ آموزش و پرورش	مقدار ۱۵۷۳۳۰۵۳۴ سهم مشاع از ۲۲۴۶۰۰۰۰ سهم عرصه و اعیان پلاک ۵۱ افرعی از ۵۸۲ اصلی مغروز و معجزی شده از ۲۵ افرعی از اصلی مذکور بخش ۱۱ سردشت	مسکونی	۲۹۳/۹۵
۴۱	سردشت	سردشت - یلوار ۷۹۹ - خیابان شهید بریاجی - نر سیده به تر مینال - سمت چپ - نیش کوچه عمومی	مقدار ۸۹۰/۱۱۰ سهم مشاع از ۱۳۷۳۳۴۰۰ سهم پلاک ۱۵ افرعی از ۶۵۴ اصلی بخش ۱۱ سردشت	مسکونی	۱۲۳/۶
۴۲	اشنویه	اشنویه - روستای علی آباد	مقدار ۱/۴۱۱ سهم مشاع از مجموع ۶ سهم ششداگ پلاک ۱۸۱ افرعی از ۱۲۵ اصلی بخش ۱۱۲ اشنویه	مرغداری	مساحت ششداگ ۱۰۹۰۰
۴۳	اشنویه	اشنویه - روستای علی آباد	مقدار ۱/۶۸۶۷ سهم مشاع از مجموع ۶ سهم ششداگ پلاک ۱۸۶ افرعی از ۲۵ اصلی بخش ۱۱۲ اشنویه	زراعی	۱۹۸۰۲
۴۴	شوط	شوط - خیابان ولیعصر اول خیابان امام	بصورت میبایعه نامه عادی می باشد	تجاری	۱۷۵
۴۵	تکاب	تکاب - یلوار تخت سلیمان - جنب اداره گاز	ششداگ پلاک ۴۵۱ افرعی مجزی شده از ۴۵۱ افرعی اصلی بخش ۱۶ مراغه	مسکونی تجاری	۲۰۰۰

جدول شماره الف (واگذاری مالکیت املاک بصورت نقد یا نقد و اقساط)					
ردیف	نام شعبه	آدرس	مشخصات ثبتی ملک	نوع ملک	متراژ
					عرصه
۱	سلماس	سلماس - روستای خانقاه	۸۱۹۵ سهم از ۱۳۵۴۰ سهم از ۲ دانگ مشاع از ششداگ عرصه و اعیان پلاک ۱۰۴ افرعی از ۱۲۵ اصلی مغروز و معجزی شده از ۴۹ افرعی از اصلی مذکور قریه خانقاه بخش ۱۲ سلماس	انباری	مساحت ششداگ ۲۰۳۰
۲	سلماس	سلماس - روستای برگشاد	ششداگ عرصه و اعیان پلاک ۷۰ افرعی از ۱۲ اصلی بخش ۱۴ سلماس	مسکونی	۸۵۶
۳	سلماس	سلماس - روستای قلعه سر	ششداگ یک قطعه باغ بشماره ثبتی ۱۰ افرعی از ۱۲ اصلی بخش ۱۴ حوزه بیضی سلماس	باغ	۳۳۴۸۷/۴
۴	سلماس	سلماس روستای قلعه سر	مقدار ۲۹۹ سهم مشاع از ۴۶۷ سهم ششداگ یک قطعه پونجه زاد بشماره پلاک ثبتی ۹۰ افرعی از ۱۷ اصلی بخش ۱۴ سلماس	دامداری و زمین مزروعی	۲۸۰۰۰
۵	سلماس	سلماس - خیابان شهید باهنر - فرسیده به خانه سالمندان - پلاک ۳۰۸ - کدپستی ۵۸۸۱۷۶۵۶۹۷	مقدار ۵/۳ سهم مشاع از ۴۰۰ سهم ششداگ یکپا یک ساختمان بشماره پلاک ثبتی ۳۲۲ افرعی از ۱۱۹ اصلی بخش ۱۳ سلماس	مسکونی	مساحت ششداگ ۲۸۷/۵۵ ششداگ ۲۲۰/۵
۶	سلماس	سلماس - قریه حبشی	مقدار ۲۲/۵ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم ششداگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۹۹ افرعی از ۱۲ اصلب واقع در بخش ۱۴ سلماس	زمین مزروعی و باغ میوه	مساحت ششداگ ۱۳۹۴۱/۶
۷	سلماس	سلماس - روستای برگشاد	مقدار ۲۰ سهم مشاع از ۲۷۰ سهم ششداگ پلاک ۵۲ افرعی از ۱۲ اصلی واقع در بخش ۱۴ سلماس	زمین مزروعی	مساحت ششداگ ۲۵۲۷۰
۸	میاندوآب	میاندوآب - جاده شاهینذر - روستای آیدیشه	مقدار ۲۹۸۶۰/۲۳ سهم مشاع از ۱۶۸۷۰/۲۳ سهم مشاع از ۲۹۸۶۰ سهم مشاع از ششداگ یک واحد مرغداری تحت پلاک ۶۶ افرعی از ۷۶ اصلی بخش ۵ مراغه	مرغداری	مساحت ششداگ ۲۹۸۶۰
۹	میاندوآب	میاندوآب - جاده شاهینذر - روستای چالغاماز	ششداگ یک واحد مرغداری به پلاک ثبتی ۲ افرعی از ۱۷۷ اصلی بخش ۵ مراغه واقع در روستای چالغماز	مرغداری	۱۰۱۲۰
۱۰	میاندوآب	میاندوآب - روستای جواد حصاری	ششداگ پلاک ۱۳۵ افرعی از ۱۳ اصلی بخش ۶ میاندوآب	مسکونی	۱۲۷۵/۵۴
۱۱	میاندوآب	میاندوآب - قریه اوچ تپه	مقدار ۱۰۷۲۸ سهم مشاع از ۳۴۰۰۰۰ سهم مشاع ششداگ یک قطعه زمین مکانیزه پلاک ثبتی ۱۴۸ افرعی از ۱۶ اصلی بخش ۱۴ مراغه	زراعی وباغی	مساحت ششداگ ۳۴۰۰۰۰ پلاک ۳۴۰۰۰۰ متر مربع ومساحت سهم بانک ۱۰۷۲۸ مترمربع
۱۲	میاندوآب	میاندوآب - قریه قچیلو	مقدار ۶۲۷۰ سهم مشاع از ۸۰۰۰ سهم مشاع از ششداگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین محل اداحت گلخانه پلاک ثبتی ۷۲۳ افرعی از ۱۶ اصلی واقع در قریه قچیلو بخش ۷ مراغه	گلخانه	مساحت ششداگ ۸۰۰۰
۱۳	میاندوآب	میاندوآب - باروق	مقدار ۵۳/۹۵۳ سهم از ۱۸۶۵۹ سهم ششداگ پلاک ۱۴۲ افرعی از ۱۸۰ اصلی بخش ۵ مراغه	مرغداری	مساحت ششداگ ۱۸۶۵۹
۱۴	میاندوآب	میاندوآب - خیابان سرباز - کوچه ده گسترنی سابق	ششداگ عرصه و اعیان پلاکهای ثبتی ۴۶۶۶ و ۴۶۶۷ و ۴۶۶۸ افرعی از یک اصلی بخش ۱۴ مراغه	مسکونی تجاری	۲۱۵۰
۱۵	شاهینذر	شاهینذر - روستای یوسف کتک - ملک موموم به شرکت تعاونی ۶ یوسف کتک	سهم از ۲۴۰ سهم اراضی دیو و سهم مشاع از ۵ سهم از ششداگ اراضی قریه یوسف کتک پلاک ۶۹ اصلی بخش ۸ مراغه	دامداری	۴۰۰۰
۱۶	شاهینذر	شاهینذر - روستای هاچه سو	مقدار ۶۳/۶۳ از ۴۰۹ جزء مشاع از ۷۸۵/۸۷ جزء مشاع از ششداگ یک باب خانه پلاک ۵۰۱ افرعی از چهار اصلی بخش ۱۵ مراغه واقع در روستای هاچه سو به استثناء ارزش تجاری و سر قفلی	مسکونی	۷۸۵/۸۷
۱۷	شاهینذر	شاهینذر - روستای قرز کورپی	سهم مشاع از ۰/۰۶ سهم مشاع از یک سهم مشاع از ۳۵ سهم سه دانگ مشاع از ششداگ اراضی روستای قرز کورپی تحت پلاک ۷ اصلی بخش ۱۵ مراغه	ماکارونی سازی	۵۰۰۰
۱۸	مگریان مهاباد	مهاباد - روستای قوبی بابا علی	ششداگ پلاک ۲۹ افرعی از ۲۳۳ افرعی از ۳۵ اصلی بخش ۱۶ مهاباد	مرغداری	۲۱۱۱۴/۵
۱۹	مهاباد	مهاباد - سراهی ترشکان - رو بروی پمپ بنزین قاضی	ششداگ پلاک ۷ افرعی از ۱۵۳ اصلی بخش ۱۶ مهاباد	مرغداری	۹۶۴
۲۰	نقده	مهاباد - خیابان بهارستان غربی - خیابان ۱۶ متری - پلاک ۱۱۹	ششداگ پلاک ۲۳۳ افرعی از ۲۷۷۵ اصلی واقع در بخش ۱۵ مهاباد	مسکونی	۲۲۰
۲۱	نقده	نقده - خیابان امام - یلوار شهید بهشتی - کوچه امیرعلی مرحومی	۱/۵ دانگ مشاع از ششداگ یکپا یک واحد مسکونی پلاک ۳۳۲۹ افرعی از یک اصلی مغروز و معجزی شده از پلاک ۱۰۰ افرعی از اصلی مر قوم واقع در نقده بخش ۱۱ ارومیه	مسکونی	مساحت ششداگ ۳۲۱/۴۰ ششداگ ۲۵۶/۲۲
۲۲	نقده	نقده - جاده حیدر آباد - بالاتر از کارخانه نقده - جنب جاده نقده، ارومیه	یک دانگ مشاع از ششداگ پلاک ۱۴ افرعی از ۱۹۶ اصلی قریه تازه کندییم بخش ۱۱ ارومیه	مرغداری	مساحت ششداگ ۱۰۰۰۰
۲۳	نقده	نقده - روستای نیوز آباد	مقدار ۰/۰۷۷ از ۶ سهم از ۶ سهم پلاک ۱۴۶ افرعی از ۱۷ افرعی از ۴۵ اصلی بخش ۱۱ نقده	مسکونی	۴۰۰/۶۰
۲۴	نقده	ارومیه - شهر کائنار - خیابان آزادی - ۱۲ متری اول - انتهای کوچه ۸ متری	مقدار ۲۰۰ سهم مشاع از ۲۵۵ سهم ششداگ پلاک ۳۸۹ افرعی از ۱۳۲۷۵ افرعی از ۱۰۱ اصلی بخش ۵ ارومیه	مسکونی	۲۰۷

جدول شماره ب (واگذاری حق اجراء بصورت نقد و از طریق عقد صلح)					
ردیف	نام شعبه	آدرس	مشخصات ثبتی ملک	نوع ملک	متراژ
					عرصه
۱	سلماس	سلماس - شهر ک صنعتی سلماس	مقدار ۲۱۵۲/۹۵ سهم مشاع از ۳۰۰۰۰ سهم ششداگ یک قطعه مرتع که به تاسیسات صنعتی تبدیل شده است بشماره پلاک ۲۸۵/۱۲۵/۱۲۰ اصلی واقع در بخش ۱۴ سلماس	صنعتی	۴۱۵۲/۹۵
۲	سلماس	سلماس - خیابان سینا - کوچه ۲۹	پلاک ۳۲۶۶ افرعی از ۱۲۰ اصلی	مسکونی	۱۹۷/۴
۳	سلماس	سلماس - خیابان رضایی شمالی - مابین مدنی و پناهی	پلاک ۲۱۶۱ افرعی از ۴ اصلی	مسکونی	۲۵۷/۴۳
۴	سلماس	سلماس - خیابان بهشتی شمالی - مابین کوچه های ۲۰ و ۳۰	پلاک ۱۶۶۷ افرعی از ۱۲۰ اصلی	مسکونی	۲۱۷/۷۵
۵	سلماس	سلماس - خیابان مصطفی خمینی - نر سیده به تقاطع رازی - نیش کوچه بن بست	پلاک ۳۴۳۸ افرعی از ۱۷۶ اصلی	مسکونی	۳۱۳
۶	سلماس	سلماس - خیابان سلطانزاده - مابین پناهی و نواب صفوی	پلاک ۳۴۶۱ افرعی از ۲۸ اصلی	مزروعی	۴۳۴
۷	سلماس	سلماس - روستای صدقیان	ششداگ پلاک ثبتی ۲۲۰ افرعی از ۱۹ اصلی بخش ۱۴ سلماس	مزروعی	۵۰۰۰۰
۸	ارومیه	ارومیه - کیلومتر ۱۵ جاده سرو - روستای آودیلان	یک سهم مشاع از ۱۴ سهم زمین دیمی از ۱۱۲۴ سهم ششداگ قریه آودیلان پلاک ۱۱۳ اصلی بخش ۱۸ ارومیه	زمین زراعی و دامداری	۱۹۰۰۰
۹	ارومیه	ارومیه - جاده شهید کلاتری - اول روستای بنج آباد	ششداگ پلاک ۱۰۰ افرعی از ۱۸۲ اصلی واقع در بخش ۶ ارومیه	مرغداری	۱۰۴۴۴

















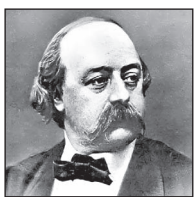












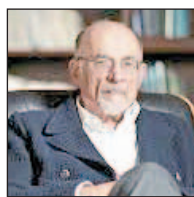
گوستاو  
فلوبر

۷



به یاد استاد  
عباس حری  
در خور ملاحظه استاد بلخاری

۳



روان شناسی  
و فلسفه

۶

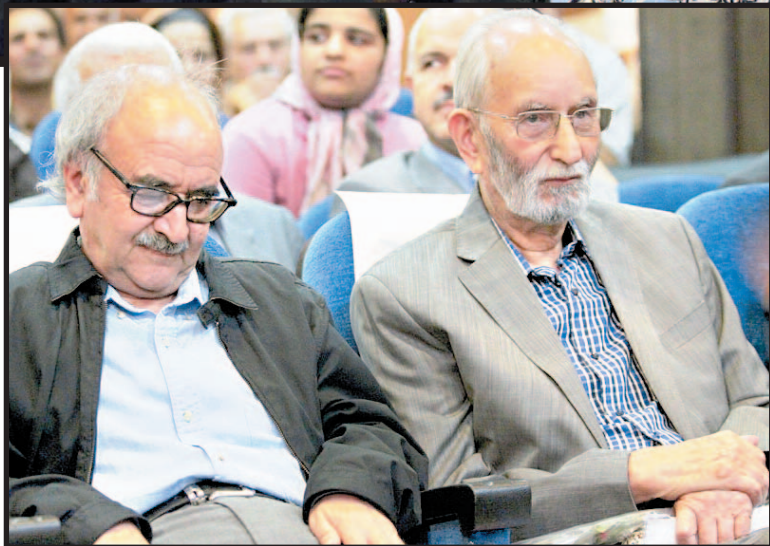


ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۴۱

# معجزه فرهنگ

به احترام دکتر محمدعلی موحد







## در ستایش و پژوهش حافظ

نکته ها و درس هایی  
از دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

با اطمینان می توان گفت که هیچ ملتی، شاعری از نوع حافظ ندارد. فردوسی بیش و کم نظایری در جهان دارد و سعدی نیز. حتی جلال الدین مولوی هم. ولی حافظ ما در فرهنگ بشری بی مانند است؛ شاعری که شعر فارسی او را زاهدان و عارفان در قنوت نماز به جای ادعیه و آیات عربی بخوانند و در عین حال زندیقان هر دوره ای شعر او را آینه اندیشه های خود بدانند و از نظر «پیر خطاپوش» حافظ که بر قلم صنع چنان اعتراض خطرناکی کرده است شادمان باشند و در زندگی روزانه مردم ما، دیوانش را در کنار قرآن مجید، سر سفره عقد و هفت سین سال نو قرار دهند و با آن فال بگیرند و استخاره کنند.

چنین شاعری در جغرافیای کره زمین و در تاریخ بشریت منحصر به فرد است و همانند ندارد. (این کیهیابی هستی، جلد دوم، ص ۱۹)

\*\*\*

**پرسش: مجهول بودن مختصات شخصیت حافظ و زندگی او تا چه حد در برجسته شدن او تأثیر داشته است؟ اگر او به طور رسمی در مناقشات مذهبی یا سیاسی زمانه خود وارد می شد یا کتابی در رد صوفیه می نوشت چه تأثیری داشت؟**

استاد شفیعی کدکنی: خب، می شود اینجور مطرح کرد که خوب شد زندگی او در ابهام و مقدار زیادی پرسش در حقیقت هست. خوب شد که او هرگز در منازعات سیاسی و ایدئولوژیک عصر خودش مساهمت یا contribution نداشت. اگر او وارد این نوع منازعات و مباحث می شد ما مجبور بودیم که همین دیوانی که فعلا هست را بخوانیم، قطعاً این درجه از آینگی که در شعر او برای ما امروز وجود دارد نمی داشت.

ببینید هر متن هنری به درجه احتمالاتی که برای مخاطب ایجاد می کند ارزش پیدا می کند.

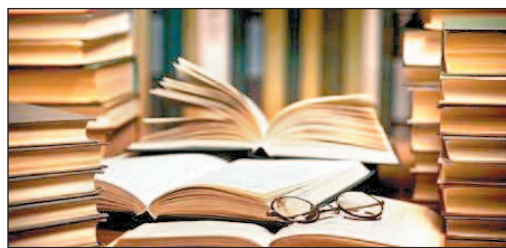
من خودم شخصاً اگر بخواهم چند تا شاعر بزرگ انتخاب کنم با در نظر گرفتن تجاری که در زندگی خودم دارم و عشق و علاقهای که به شعر فارسی از بچه گی داشتم و عمرم را عملاً در جهت التذاذ از شعر فارسی گذراندم و در حاشیه التذاذ از شعر فارسی به میدان های مختلف جامعه شناسی ادبیات، نقد ادبی، نظریه های ادبی، مباحث مربوط به جمال شناسی و استتیک و آن طرف ترش در مطالعات بی نهایت مطالعات عرفانی بیش و کم قدم زدم، اینها در من یک ملکای، یک توانایی ای، در فهم شعر فارسی ایجاد کرده اند که ممکن است افراد معمولی آن درجه اجتهاد شعری که در من هست نداشته باشند یا کمتر داشته باشند؛ من وقتی یک قطعه خیلی دلخواهم را از دیوان ناصر خسرو بخوانم، با همه احترام بی نهایتی که برای چهره استثنایی تاریخ شعر فارسی [ناصر خسرو] قائل هستم، آن لذت که از خواندن یک غزل حافظ حاصل می شود حاصل نمی شود.

به دلیل اینکه حوزه احتمالات در شعر ناصر خسرو در پیچه های محلودی دارد. روزه های محلودی هستند که به روی مخاطب باز می شوند. هر قدر شما با حوزه تاریخی و زمینه ایدئولوژیک ناصر خسرو آشنایی عمیق داشته باشید و هر قدر که شما دلبسته گرایشات اجتماعی و تحولات تاریخی جامعه بوده باشید لذت هنری ای که یک پاره از یک قصیده ناصر خسرو به شما می دهد کم نیست، اما در عین این حال که کم نیست، حوزه احتمالاتش محلود و بسته است برخلاف حافظ که هر غزلی...

ما یک غزل متوسط را به صورت فال انتخاب می کنیم.

[درمی یابید که] شعر حافظ آستن بی نهایت احتمالات است. در صورتی که شعر ناصر خسرو این درجه از تنوع احتمالات را کمتر دارد و ممکن است گاهی نداشته باشد.

قطعاً اگر حافظ به میدان مبارزات تاریخی و اجتماعی آمده بود یا در



## سرآغاز...

● سید مسعود رضوی

استاد بزرگ داستان نویسی در ایران، محمود دولت آبادی کتابی دارد با عنوان «ما نیز مردمی هستیم» و در آن به تکرر و تنوع فرهنگ های جهان، در مجاورتی مسالمت جویانه پرداخته است. در حقیقت، فرهنگ های عالم، جامعه ها و زبان ها، هنرها و تمدن ها، موارث کهن و دستاوردهای جدید، همه و همه بسان همسایگانی ارجمند در کنار هم باید زیست کنند و از مواهب یکدیگر بهره مند شوند. روایتی از امثال دینی نقل از حضرت فاطمه (س) در حکمت مُدن در میان مسلمانان وجود دارد که از منابع مختلف نقل شده است: الجار، ثم الدار؛ یعنی تقدم همسایه بر خویش، یعنی اخلاق فضیلت و برتر دانستن حقوق و نیازهای هم نوعانی که می شناسیم، بر خودمان و اقربا و خویشانمان.

در مواجهه با محتوای غنی و فرهنگ و ادبیات ایران، این نکته همان است که مکرراً آمده است:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

این فضیلت، همان است که مردم به صورت کلی بدان «انسانیت» می گویند.

انسان و تمامی اشتقاق های این واژه بیانگر دلالت های نجیب است. شیخ سعدی در جای دیگر گفته «آدمیت» و این ترادف هم قابل تأمل است:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

انسانیت و آدمیت البته به همان وسعتی که در ذهن و اخلاق یک نسل معنا

و مفهوم دارند، ممکن است در ذهن و آرمان ها و اخلاقیات نسلی دیگر متنزل شوند

یا ضعیف و حتی تباه گردند. من افرادی را دیدم که روبروی خدایخانه ای در سرما

یخ زده بودند و بچه هایی که در کنار خانه های اشرافی، در نیم شبان زمستانی سرد

و منجمد، سرها در درون زباله های آن دولت سراهای پرزرق و برق کرده اند و نیز

کودکانی که به جای مدرسه یا بازی و آرایش در زیر سقف خانه پدری و مادری،

ازین خیابان به آن خیابان دنبال ماشین هایی با شیشه های دودی می روند و برای

سکهای جان می کنند.

ما در چنین جامعه ای باید دوباره در مفهوم انسانیت و آدمیت تأمل کنیم و بسیار

ببندیشیم که آیا زیستنی چنین، شایسته آدمی است؟ نمی دانم استاد جلال الدین

همای در کدام لحظه توفانی این بیت را گفته و چه دیده یا شنیده بود که سرود: با

دست توان و پای خسته / بار سفر فراق بسته / نه طاقت رفتن و نه خفتن / نه حال

شنیدن و نه گفتن / ... فریاد کزین رباط کهگل / جان می کنم و نمی کنم دل ...

ناگاه به خاطر آمد که آموزگار بزرگوار و دانشمند ما، در دانشکده ادبیات، استاد

میر جلال الدین کزازی با واژگان ویژه و گفتار سره، روزی در باب انسانیت، به ستایش

«آب» پرداخت و پیشگامی آن بر تمامی ارزش های مردمی را گوشزد کرد. یعنی

ادب دیباچه انسانیت و اخلاق و فضیلت و آدمیت است و مرز و مکان و زمین و زمان

هم آن را نمی فسرد و در معنای آن اثری ندارد.

به همین ملاحظه یادآوری می کنم که در ایام اخیر رخدادهای بسیار، نامالایم

و ناهنجار، در این سو آن سوی مرزهای میهن رخ داده اند. در عراق، که همسایه

عزیز و تاریخی وطن گرمی ماست، آشوب های جانسوز رخ داده است. نام نمی برم

اما هیزم کشان بدبختی در این میانه با سخنان نایجا و مدعیات مضحک، بر آتش

دمیند و درست در لحظه ای که پس از یک هزاره گشایشی معنوی و فرهنگی

در حال تحقق بود، لباس حق را برتن باطل کردند و جار و جنجال به پا شد و

خسارت هایی به جان هارسید که بدترین قسمت آن، خون جوانان نازنین و بی گناه

بر جاده های بغداد و بصره و نجف و این سو و آن سو... بود. وقتی جانی گرفته شد، تا

ابد جوشش خون را باید بنگریم و بنگرند و...

ما نیازمند آموزش ادب و فرهنگ، در پرتو عدالت و آزادی هستیم. ادب را

فقط به اندرز و موعظه نمی توان در دل ها پایدار و در جامعه بهنجار کرد، بلکه باید از

ابتدا، یک حرف و دو حرف بر زبان کودکان و در درس و مشق به افاضت بزرگان

و ادیبان آموخت و آموزند. کسی که نیاموخته باشد بویی از انسانیت و آدمیت هم

نخواهد برد و برایش کشتن یا زخم برداشتن انسان ها موضوعی چندان مهم نیست،

اما شگفتا که بحث در تعداد و آمار اهمیت دارد و یک روز این مقدار و فردا آن تعداد

و... این چیست جز مضحکه نجابت و مقدمه ظلم و بی عدالتی؟ سخن را با شعر

دلنشین سیف الدین فرغانی به پایان می برم که از سوز دل ها در ورای زمان ها و

عصرها سخن گفت:

آتش است آب دیده مظلوم

چون روان گشت خشک و تر سوزد

تو چو شمع ازو هراسان باش

کاول آتش ز شمع سر سوزد

حوزه مباحث علم کلام یعنی مباحث علوم اعتقادی مسلمان ها آمده بود، وقتی نگاه کنیم، می بینیم که وارد این حوزه مباحث ایدئولوژیک شدن و نوشتن کتابی در تأیید یک جریان فکری خاص، ممکن بود درجه احتمالات موجود در متن دیوان حافظ را تا حدی سلب کند. نه اینکه قطعاً! به دلیل اینکه حافظ کتابی نوشته است و ثابت کرده در علم کلام مثلاً بر مذهب امام ابوالحسن اشعری ست. ممکن بود درجه آستن احتمالات دیوان حافظ و آن غزل نمونه ما دیگر کمتر بشود. چون آن دانسته های ما از حوزه معرفتی او نسبت به مباحث ایدئولوژیک عصر خودش جلوی چشم ما را می گرفت و در حقیقت ذهن ما را از فعالیتی که می تواند اکنون نسبت به متن دیوان حافظ داشته باشد محروم می کرد.

وقتی رولان باژت از مسأله «مرگ مؤلف» سخن می گوید به نظر من حرف چرت و پرتی نیست. آن نظریه آنجور که بخواهیم انکارش کنیم، مثل آنهایی که متن را در بافت تاریخی و ایدئولوژیکش سعی می کنند بفهمند و بفهمانند، آنجوری ضرورتی ندارد که ما فکر می کنیم، مخصوصاً در جریان نقد مارکسیستی و نقد اجتماعی، هر شاخه ای از شاخه های نقد مارکسیستی را که بگیریم، به هر حال آنها حتی اگر فرم را مثل «پلخائف» و «تروتسکی» تا حدی هم برایش احترام قائل باشند، باز نمی توانند دلبستگی های ایدئولوژیک خودشان را و اهمیتی که ذهن آنها به بافت ایدئولوژیک و بافت تاریخی آفرینش یک متن می تواند داشته باشد، بی اعتنا باشند. نظریه باژت می گوید حافظ یک آدمی اشعری بود، معتزلی بود، ماتریدی بود، شیعه بود، سنی بود، طرفدار امیرمبارزالدین بود، مخالف امیرمبارزالدین بود، ما با این متن سروکار داریم. مؤلف، مُرد و رفت و کاری به کارش نداریم.

این نظریه باژت حرف معنی دار و مهمی است. شاید من در بعضی از نوشته هایم باژت را انتقاد کرده باشم ولی انتقاد مطلق و انکار مطلق نسبت به نظریه مرگ مؤلف باژت نداشتم. من نظریه او را می پذیرم.

من الان چند مشکل دارم. به روی خود نیآوردم. من گلویم درد می کند بجهه ها. (از جلسه درس حافظ ۲۳ مهر ۱۳۹۸ / دانشگاه تهران)

\*\*\*

### خاموشیت مباد که فریاد میهنی!

مستی و هوشیاری و راهی و رهزنی

ابری و آفتابی و تاریک روشنی

هر کس درون شعر تو جویای خویش و تو

آییندارِ خاطرِ هر مرد و هر زنی

در پایتختِ سلسله شب، که شهر ماست

همواره روح را به سوی روز، روزنی

نشناخت کس تو را و شگفتا که قرن هاست

حاضر میان انجم و کوی و برزنی

این سان که در سرود تو خون و طراوت است

صد بیشه ارغوانی و صد باغ سوسنی

ای هرگز و همیشه و نزدیک و دیر و دور!

در هر کجا و هیچ کجا، در چه مأمنی؟

در مسجدی و گوشه میخانه های پناه

آلوده شرابی و پاکیزه دامنی

هر مصرعتِ عصاره اعصار و ای شگفت!

کاینده را به آینگی صبح روشنی

نَشگفت اگر که سلسله عاشقانِ دهر

امروز خامش اند و تو گرمِ سرودنی

آفاق از چراغِ صدای تو روشن است

خاموشیت مباد که فریاد میهنی!

(از دفترِ مرثیه های سرو کاشمر، سخن، تهران: ۱۳۸۹)

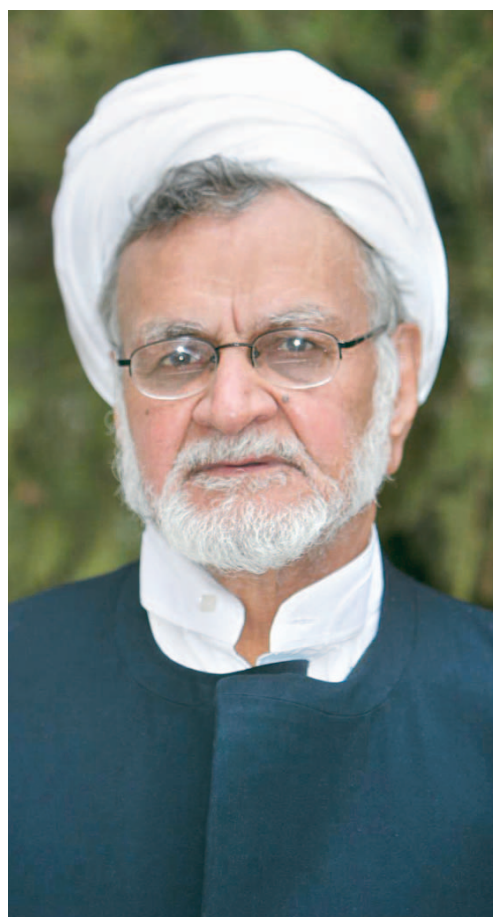
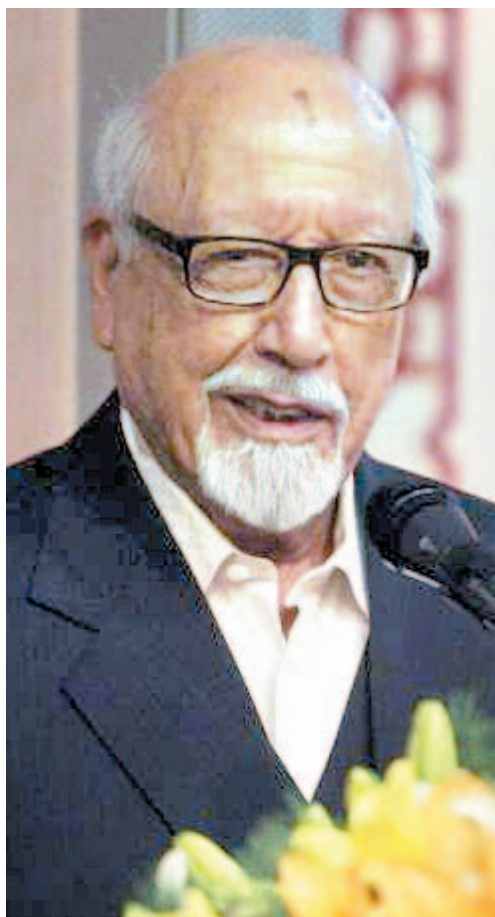


# یادی از استاد عباس حری کرمانی

پدر زبان و دانش روز ایران

در خور ملاحظه استاد بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

محمد جواد حجتی کرمانی



که بیش از نیم قرن قبل به تأسیس «مؤسسه ملی زبان» همت گماشته در واقع کلید اصلی نشر علوم روز را در ایران به دست داده است. اتفاقاً غربت آقای حری هم به همین دلیل است! چرا که وقتی که «خر» زبان‌آموز از «پل» گذشت دیگر قدر آن سوارکاری که او را از «پل» گذرانده است نمی‌داند!

گفتم آقای حری بر من حق استادی دارد و من آموزش لنگ لنگان زبان را مدیون مراقبت و پی‌جویی و تشویق مستمر این استاد بزرگوارم؛ گرچه هنوز در خم یک کوچم و با وصف سالیان درازی که از آموزش زبان به ویژه در ایام زندان می‌گذرد ولی فقط توانسته‌ام گواهینامه ابتدایی را از مؤسسه ملی زبان بگیرم ولی مصمم هستم تا رسیدن به درجه دکترا یا حتی فوق دکترا (!) به آموزش ادامه دهم و آرزو دارم و از خدا می‌خواهم که مرا توفیق دهد چون می‌دانم در عصر ما ناآشنایی با زبان خارجی یک نقص فاحش است و حتی می‌توانم بگویم کسی که یک زبان خارجی نمی‌داند (مثل من) در مقیاس جهانی، جدا بی‌سواد است!

باری؛ زمانی که حقیر در دفتر ریاست جمهوری وقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان مشاور فرهنگی مشغول بودم برای نخستین‌بار، آقای حری به دیدنم آمد و از مشکلی که برای مؤسسه ملی زبان پیش آمده بود (مانند بسیاری از مشکلاتی که برای مؤسسات تأسیس شده در رژیم گذشته پیش آمده بود) سخن گفت... ایشان علاوه بر حقیر و بیشتر از آن با شهید بهشتی تماس داشت که در گذشته در دبیرستان حکیم نظامی هم همکاری بودند (آقای حری آقای بهشتی را به عنوان مدرس زبان این دبیرستان معرفی کرده بود) و بالاخره هم با همت و وساطت شهید بهشتی مشکلشان حل شد.



اما این دیدار، آغاز دوره جدید آموزش زبان من شد که بیش از ۳۰ سال است با یک حرکت لاک‌پشتی ادامه دارد.

برگردم به «غربت» آقای حری؛ گفتم وقتی کار زبان‌آموزی شخص تمام می‌شود، گذشته را فراموش می‌کند؛ از این بالاتر بگویم و از فراموشی حق آموزگار نخستین زبان یاد کنم که جز «مادران» نیستند؛ کسی از این واقعیت یاد نمی‌کند که بزرگان و نام‌آوران سخن از رودکی

نخست بگویم که استاد حری کرمانی حق استادی به گردن من دارد و من از ادای این حق عاجزم اما در این سطور می‌خواهم از «غربت» این استاد سختکوش و مبتکر که در سال ۱۳۴۰ «مؤسسه ملی زبان» را در تهران تأسیس کرد و متجاوز از نیم قرن به آموزش زبان انگلیسی به چند نسل این کشور پرداخت سخن بگویم.

من استاد حری کرمانی را نه تنها پدر زبان ایران بلکه پدر دانش جدید در ایران می‌نامم و این را مبالغه نمی‌دانم و برای آن دلیل دارم: چرا که بیشتر زبان‌دانان و مؤسسات بیشمار آموزشی زبان در سراسر کشور یا شاگردان مستقیم و یا غیرمستقیم «مؤسسه ملی زبان» بوده‌اند. برای نمونه استاد بزرگوار دکتر نصرالله پورجوادی را به یاد دارم که در یکی از جلسات «شورای علمی دائره المعارف بزرگ اسلامی» به من فرمود که سال‌ها قبل در این مؤسسه، زبان آموخته است. از دیگر استادان همسن و سال دکتر پورجوادی هم می‌توان از این دوران سراغ گرفت.

اما اینکه گفتم دکتر حری پدر دانش جدید ایران است از آن رو است که زبان انگلیسی بیش از نیم قرن است که پس از رواج اولیه زبان فرانسه زبان علمی ایران و (بسیاری از نقاط جهان) است و آموزش علوم دانشگاهی و کتب پایه علمی و آکادمیک، به زبان انگلیسی است و این شاگردان مستقیم یا غیرمستقیم دکتر حری و مؤسسه ملی زبان بوده و هستند که به زبان علم روز آشنا شده و توانسته‌اند با تدریس متون اصلی یا ترجمه‌هایی که انجام داده‌اند با متون درسی و غیردرسی که خود با مراجعه به منابع و مخارج فراهم آورده‌اند، علوم جدید را اعم از علوم تجربی یا انسانی یا فلسفه، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی و حتی تحقیقات جدید مربوط به تاریخ ادیان و مذاهب و باستان‌شناسی و دیرینه‌شناسی و هنر و... در ایران رواج دهند.

به عبارت دیگر، اگر زبان انگلیسی را به طور اغلب و اکثری در عصر حاضر حامل انتقال علوم روز به ایران بدانیم که چنین است، آقای حری

گرفته تا فردوسی و سعدی و حافظ و مولانا و همه شاعران و ادیبان و نویسندگان جهان، در آموزش زبان مدیون مادرانشاند تا حالا شده کسی از مادران این بزرگان و دیگر بزرگان زبان و ادب یاد کند؟

جناب آقای دکتر حری اگر مادر زبان ایران است و فراموش شده و کسی از او نام نمی‌برد، خودش به یاد بیاورد که زبان مادریش را از مادرش آموخته و وقتی می‌بیند خودش این واقعیت را عملاً فراموش کرده، خیلی ناراحت نباشد که جامعه علمی و ادبی حق او را ادا نکرده است.

اما در اینجا یک نکته است که در پایان به عرض می‌رسانم. نکته آخر این که شایسته و بجاست جامعه علمی و دانشگاهی و خبرگان علم و ادب و از جمله دست‌اندرکاران تشکیلات و مؤسسات علمی و ادبی مثلاً «انجمن آثار و مفاخر ایران» از کسانی مانند استاد حری که به حق کار تعلیم و تربیت چندین نسل را به عهده داشته و به خوبی هم از عهده برآمده‌اند، تقدیر و سپاس کند.

از آنجا که این قلم در پرانده گویی استاد است! ۲ در شماره آینده تحت عنوان «استاد حری و دوچرخه سواری» خواهم نوشت انشاءالله.

## پاورقی:

۱- این تعبیر شاید اندکی تو ذوق بزند ولی از قلم مؤاخذه کنید نه من! چرا که نویسنده وقتی می‌نویسد، قلم پیش‌تاز اوست و او از قلم پیروی می‌کند! ببخشیدم که در این جا به مبالغه افتادم ولی چندان هم بی‌راه نرفته‌ام! نویسندگان حرفه‌ای و بزرگان قلم که من شاگرد آنها هم حساب نمی‌شوم به‌ویژه شاعران و رمان‌نویسان و قصه‌پردازان و سینماگران و بزرگان تئاتر و آهنگسازان و... نیک می‌دانند که من چه می‌گویم.

۲- به اقتضای استاد بزرگ زنده یاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی

ای ز بازار جهان حاصل تو گفتاری  
عمر تو موسم کارست و جهان بازاری  
اندر آن روز که کردار نکو سود کند  
نکنند فایده گر خرج کنی گفتاری  
ظاهر آنست که بی زاد و تهی دست رود  
گر ازین مزرعه کس پر نکند انباری  
شعر نیکو که خموشیست از آن نیکوتر  
اگرست دست دهد نیز مگو بسیاری  
راست چون واعظان جوی بدین شادمشو  
که سخن گویی و جهال بگویند آری  
از ثنای امرا نیک نگهدار زبان  
گرچه رنگین سخنی نقش مکن دیواری

مدح این قوم دل روشن تو تیره کند  
همچو رو را کلف و آینه را زنگاری  
از چنین مرده دلان راحت جان چشم مدار  
چون ز رنجور شفا کسب کند بیماری؟  
شاعر از خرمن این قوم به کاهی نرسد  
گر ازین نقد به یک جو بدهد خرواری  
شاعری چیست که آزاده از آن گیرد نام  
ننگ خلقی گر ازین نام نداری عاری  
بهر مخدوم مجازی دل و دین ترک کنی  
تا تورا دست دهد پایه خدمتکاری  
نزد آنکس که چو من سلطنت دل دارد  
شه گزیری بود و میر چو ده سالاری

ظالمی را که همه ساله بود کارش فسق  
به طمع نام منه عادل نیکو کاری  
نیت طاعت او هست تورا معصیتی  
کمر خدمت او هست تورا زناری  
هر کرا زین امرامدح کنی ظلم بود  
خاصه امروز که از عدل نماند آثاری  
کز روی پیشه کنی جمله تورا یار شوند  
ورره راست روی هیچ نیایی یاری  
کله مدح تو بر فرق چنین تاجوران  
راست چون بر سر انگشت بود دستاری  
صورت جان تو در چشم دل معنی دار  
زشت گردد به نگو گفتن بدکرداری

اسدالمعر که خوانی تو کسی را که بود  
رویه حيله گری یا سگ مردم خواری  
و گرت دست قریحت در انشا کوبد  
مدح این طایفه بگذار و غزل گوباری  
سیف فرغانی اگر چند درین دور تورا  
بلبل روح حزینست چو بو تیماری  
نه تورا هیچ کسی جز غم جان دلجویی  
نه تورا هیچ کسی جز دل تو غمخواری  
گر چه کس نیست ز تو شاد برو شادی کن  
همچو غم گر نرسانی چو بدلی آزاری  
صورتند این امرا جمله ز معنی خالی  
اوست چون در نگری صورت معنی داری



برخی از بزرگان و زبندگان فرهنگ ایران را باید از شگفتی‌های تاریخ و فرهنگ قلمداد کرد. هر یک برای خود صفاتی دارند و روحیاتی که در هنگام گفت و شنید با استماع خطابه و حتی دیدار و ضیافت، جلوه‌گری و به مخاطبان گوشزد می‌کند که این آستان، منزلی دیگر دارد و قدر و قیمتی که در قیاس متعارف نمی‌توان آن را سودا کرد و سود و زیانش را دریافت. بلکه باید لحظه را، سخن را، نکته را، اندرز را، آموزه و برهان را به گوش سر شنید و به گوش جان نوشید. قبلا سخن علامه قزوینی را در همین ضمیمه نقل کردم که فرموده‌اند: آن‌گاه کسی بزرگ خواهد شد که محضر سخن را درک کند و شاگردی و فهم در این آستان، فقط آموختن علم و محفوظات معمول نیست، بلکه اشارات و شیوه بیان، تنبّهات و نکات خاص، طرز برخورد با مفاهیم و حتی کیفیت رفتار و نگاه و خویش و ابراز مطالب و... همه درس آموزند. فره و فرازنگی، والاّیی و منزلت با ارمان می‌آورند. پس این آموزه استاد علامه محمد قزوینی را کسانی که با بزرگان و دانشوران یگانه، مجالست و توفیق دیدار برای کسب علم و گفتگو داشته‌اند، خوب می‌یابند. گاه اقبال و بخت، این زمینه مساعد را برای امثال نویسنده فراهم ساخته تا زانو در مقابل بزرگان بر زمین زده و آنچه ناگفتنی است، و خریدنی نیست و بی‌هیچ گزافی، گوهر شیعرآج نایابی در سرزمین کرانه ناپیدی فرهنگ و ادب و فضیلت است را دریابیم، باری، روشن است که هر کس به فراخور ظرفیت و شکیبایی و استمداد و اشتیاقی که دارد از این مغرور و محتوا بهره خواهد برد و ای بسا که گنجایی اندک، با اذراک استدره برخی از ویژگان و پژوهندگان زنده یکسان نیست. این یک امر بدیهی است، اما چون که صد آمد نمود هم پیش ماست؛ همگان بهره می‌گیرند و کسی تشنه از این سرچشمه باز نخواهد گشت. بخت یک روزنامه نویس در مواجهه با بزرگان و فرازانگان میهن، در مواجهه با این فرصت و موهبت چیست و چه تواند بود؟ جز آنکه آنچه را آموخته و در پهنای اندیشه‌شو و زرقایی جان نهان داشته بازگوید تا خوانندگان گرامی نیز بداندند در این سرزمین بزرگ و کهنسال، که مامن عشق و آرزو و آمال ماست، چه مردان و زنان بزرگی را پرورش داده و بر درخت فرهنگ و فضیلت، بسان شکوفای رویانده است. این همه که به قلم فرسودهای می‌گویم، همان است که در مصرع فتنه می‌یارد از دهلمی بیان شده و در تضمین اشرف خواسناری به بیعتی ماندگار و زیبا بدل شده است:

این جهان همچون کتابی کهنه روپاروی ماست

عالمی محتاج تحقیق است و استعداد نیست

از این سخن‌ها در می‌گذرم، اما به گفته مرحوم استاد قصه‌نویس نامدارمان، سیدمحمدعلی جمالزاده، «قتی این مقدمات و تفصیلات را برای آغاز سخن و توصیف فضایل شخصی بر کاغذ می‌نویسم، کاری بیوهده نکرده‌ایم و به قول ادیبان، سخن فرسایی از جنس اطباب ممل نباید قلمداد شود، بلکه به مثَل، قابی است برای پرتوهای زیبا یا خط و نگاره‌ای که به قلم و خامه و قلم مو و مرکب و رنگ و روغن هنرمندی تحریر یا تصویر شده و آن پرازنده این، و این متناسب با آن است. کسی البته چشم از اصل هنر بر نمی‌دارد، اما شایسته است که شکوفه بر درخت باشد و میوه هم اگر آرد، خوش است.» اما کدام عاشقی به درخت و برگ و شکوفه نظر می‌دورز تا دانه یا دامنی میوه را به خانه بَرَد یا سیب و اناری به دارد؟ عاشق و شاعر میوه را دوست دارد زیرا اسزیننه، برگ‌ها را زیباتر می‌سازد؛ سعدی چه خوب فرموده بود که «نتگ چشمان نظر به میوه



کنند، ما تماشاکنان بستانیم و شگفتا از عبارت زیبای شاعری نوپرداز که استقهایی در پی شعر سهراب سپهری سروده بود. سهراب گفته است: تا اناری می‌ترکید دست فواره خواهش می‌شد... و شاعر اخیر ما نیز در تضمینی نوپردازانه گفت: اما چرا، ما عاجزیم، از فهم یک انار... از نظم عاشقانه سرخی، که دست را فواره خواهش، و دل را لبریز عشق خواهد کرد؟ دوست دارم کنار تو باشم، همچون سکوت دانه‌های انار در نظم یکرانه جویش! این دانه‌ها، رنگ ممتد عشق است، در آغوش هم، در اشتیاق سرخ انار...

باری، رشته سخن از کف رفت، اما در هر کجای هنر و ادبیات و فرهنگ ایران که واژگان بتازند، در زمین و سرزمین خویش تاخته‌اند یکی از استادان من در هنگام استشهاد به یکی از بیست‌های دشوار خاقانی، فرمود: استشهاد مانند پژواک صدا در کوهستان است، به تکرار و تائی یاز می‌گردد و آشناست، اما همان کلمات و همان سخن نیست. شاید آنچه ما می‌گوییم، به ویژه آنچه درباره بزرگان و نجبای فرهنگ و قلم در سرزمین ارجمند و رجاوند ایران می‌گوییم، همچون همان پژواک گیرا و گوارا در کوهستان‌های سرکش باشد، در البرز یا زاگرس، در سهند و سیلان یا دماوند و بلندی‌های مازندران، در کینو کوه و آریانه و اشتاران کوه یا در هر جای دیگر...

از جمله فرصت‌های مهم و متمتع برای نویسنده این سطر‌ها، که به بخت مساعد در شغل روزنامه‌نگاری فراهم شده، شناس و فرصت دیدار و مرادوت و مصاحبه با اندیشمندان و نویسندگان و هنرمندان بوده است. به ویژه حضور در کنار فرازانگی که در طول چند دهه اخیر، دشوارترین ادوار حیات فرهنگی و تحولات میهن را نمایندگی کرده و از داشته‌ها و ارزش‌ها و مرزهای ادب و هنر و زبان و تمدن ایران دفاع کرده‌اند. شاید این وصف و این شیوه بیان، برای برخی خوشایند نباشد و بپرسند: مگر در حال جنگیم که نیاز به مدافعه است؟ پاسخ روشن است و هر که خرده هوش و دانشی دارد می‌داند چه پیکار سختی در راه بوده و در پیش خواهد بود. فرهنگ ایران، از زبان و ادب و موراثت معنوی و حتی اقلیمی، بیش از هر لحظه در تاریخ نیازمند مراقبه و نگاهبانی و بازایی و بالاتر از آن، پژوهش و آموزش است. خاصه در این عهد و روزگار که در فضای مجازی و جهان حقیقی، سنگ فتنه می‌یارد از متجینق فلک.

این دیدار به پاس خدمات و فضایل استاد دکتر محمدعلی موحّد، یادرتگی در گرامیداشت ایشان، تمهید و تدوین شده است. محقق و نویسنده و مترجمی که با آثار پرتعداد در عرصه‌های گوناگون، فرهنگ معاصر و اندیشه و زبان پارسی را برپایتر ساخته و هر یک از کتاب‌ها و آثارش، منبعی قابل اعتماد برای پژوهشگران و مآخذی قابل اعتنا در عرصه موضوعات مورد توجه ایشان است. به پاس بخت مساعد، فرصت دیدار استاد را در سال‌های اخیر یافته ام و در هر نوبت از خزانه دانسته‌ها و نکته‌های باریک و نادری که در سخن و اشارات استاد موحّد، به صورت سلسله‌ای از دانش و پرسش و گزارش و پژوهشی می‌تراود، بهره می‌گیرم، خوشبختانه فرصت‌های دیدار استاد در سال‌های اخیر با حضور بزرگان فرهنگ و ادب و اندیشه، از جمله استاد مصطفی ملکیان، دکتر شفیع کدکنی، دکتر نصرالله پور جوادی، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر سیدمرتضی مردی‌ها، استاد محمد جزایری و تنی چند از نویسندگان و مترجمان و صاحب نظران میسر شده است. مجالسی که حضور در آن مستلزم توقیف و ملازم درک و لذتی است که به سختی

این سخنان و بسیاری دیگر را در مواجهه با آثار و مسایل

مربوط به مولانا جلال الدین از استاد موحّد شنیدیم و خلاصه‌ای پریشان را نقل کردم. سال‌ها پیش وقتی در اوایل دههٔ ۱۳۷۰، پروفیسور آنه ماری شیمِل به ایران سفر کره بود، این سفر همزمان با چاپ تازه و تحسین‌انگیز «مقالات شمس تبریزی» به تصحیح استاد محمدعلی موحّد و نیز انتشار کتاب شیمِل با عنوان «شکوه شمس» به ترجمه استاد زنده یاد حسن لاهوتی بود. با آن بانوی دانشمند گفتگویی درباره شمس و مولانا ترتیب دادیم و من شخصا خدمت آنه ماری شیمِل فقید رسیدم و به عنوان هدیه، یک چاپ رسیده از آن ماری شیمِل با آن فارسی فصیح و کردم همراه با تقاضای مصاحبه و پرسش‌هایی که باید مطرح می‌شد، قرار شد فرادشب برای مصاحبه به هتل برویم. وقتی به

# معجزه فرهنگ

به احترام دکتر محمدعلی موحّد



استیلاّی تاریخ و کلام است. حتی اخباریگری و افراط در حدیث و ظاهرگرایی هم از همان سرچشمه آب می‌خورد. وگرنه دست و پای مسلمانان بازتر از غربی‌ها است و همان قواعدی که گفته شد، می‌تواند هر قانون اساسی در هر کشور اسلامی را براساس حقوق بشر و حقوق تمام و کمال شهروندی تنظیم و ارائه کند. قوانین جزا، مدنی و خانواده و حتی حقوق بین‌الملل، همه و همه باید بر اصول کلی منگی باشند. از این جهت اسلام غنی‌تر از بقیه ادیان و جوامع است اما از حیث تفسیر مناسب و از جانب قانونگذاری یا پژوهش‌های دانشگاهی و درس و بحث حقوقی، ما به جای توجه به تجربه‌های درجه اول بشری به مبانی و محدودیه‌های خودمان اکتفا کرده‌ایم. شاید تقصیری هم متوجه مثلاً مفتی‌های الاظهر نباشد، زیرا آنها در محدوده تاریخ خودشان، عطف به همان مبانی و مسائلی که مطرح بوده و براساس راه حل‌های محدود و معدودی که فقها و متکلمان و حتی خلفا بیان کرده‌اند، مجدداً به قانون و فتاوا می‌نگرند، حال آن که دست قانونگذار هیچ وقت بسته نیست. قانون برای چیست؟ برای کیست؟ برای چه منظوری است؟ قانون برای من و شماست، برای رفع حاجات ما و تنظیم روابط و نظم دادن به امور است و اینکه حدود هر کاری یاجزایی هر تخلفی روشن شود. اگر این همه کتاب‌های فقهی و فتاوا و مسایل متعدد نوشته شده، دلایل نیازهای زمانه بوده و این‌ها که از اول وجود نداشته‌اند. پس حالا هم براساس احتیاجات زمانه و ما به توجه به عرف و مصلحت، باید از مبانی استفاده کرد. مبانی قابلیت عظمی دارند و دست قانونگذار و فقه و حقوقدان را کاملاً باز می‌گذارند.

این‌ها تنها گوشه و جانبی از بحث با استاد بزرگوار و دانشور ما دکتر محمدعلی موحّد بود. اولین جمعه آبان ماه که خدمت ایشان رسیدم، بحث‌های تاریخی و لغوی و حکمی و فکری جالبی مطرح شد که در ادامه و در شماره بعد، اختصاصاً همان را گزارش است اما تکمیل شده و روش‌ها و اطلاعات تازه، ما را به چاپ می‌رسانیم و برای وجود عزیز استاد موحّد، آرزوی سلامت و بهروزی داریم. حقیقتاً در نود و پنج سالگی، این شادابی و این حضور ذهن، این نکته سنجی و دقّت، و این وسعت اندیشه منون هر دوره داریم، این را با قیاس اختری اشتباه نباید گرفت. را بازتاب می‌دهد و به گمان من، این معجزه فرهنگ است و بس.

\*\*\*

محمدعلی موحّد (زاده ۱۳۰۲، تبریز) عرفان‌پژوه، تاریخ‌نگار و حقوق‌دان، به صورت میوسجم از مرحوم فروزانفر، باقی نماند است. صمد موحّد برادر اوست. محمدعلی‌موحّد تحصیل را در مدارس تدین و اتحاد نو تبریز آغاز کرد و در سال ۱۳۱۹، پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبی، به تهران آمد. اما به‌واسطه فوت پدر (در سال ۱۳۱۷) به تبریز بازگشت و سرپرستی خانواده را برعهده گرفت و به مدت ده سال در تبریز و تهران اقامت گذرید. در سال ۱۳۲۹ به شرکت نفت آبادان رفت و پس از خلع ید انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۲، سردبیری روزنامه شرکت نفت را به‌عهده گرفت و در همین سال به تهران انتقال یافت. وی در سال ۱۳۳۲ کار بر روی ترجمه سفرنامه ابن بطوطه را انجام داد که در سال ۱۳۳۶ منتشر شد. به‌واسطه قدرت قلم و شیوایی ترجمه، مورد توجه ارباب فضل قرار گرفت و نام موحّد بر سر زبان‌ها افتاد؛ چنان‌که استادی چون مجتبی مینوی و همچنین محمدعلی جمال‌زاده او را مورد تشویق و تقدّر قرار دادند.

موحّد تحصیلات خود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ادامه داد و موفق به اخذ مدرک دکتری حقوق خصوصی از این دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۸، پس از فراغت از تحصیل، برای آشنایی بیشتر با مباحث حقوق بین‌الملل به انگلستان رفت و مطالعات خود را زیرنظر پروفیسور جینگز در دانشگاه کمبریج و پروفیسور شوارتزبرگ در لندن ادامه داد. همچنین در این دوران با ایران‌شناسانی همچون آرتور آریبری، ولادیمیر مینورسکی و لاکهارت همنشین بود. به تحقیق بر روی نسخه‌های خطی موجود در موزه بریتانیا پرداخت و از این میان نسخه سلوک‌الملوک تألیف فضل‌الله روزبهان خنجی متخلص به «مخین» را برای تصحیح انتخاب کرد. وی، علاوه بر وکالت پایه‌یک دادگستری، از آغاز تأسیس شرکت ملی نفت ایران در کادر حقوقی شرکت نفت وارد شد

و تا بالاترین درجات (مشاور عالی رئیس هیأت‌مدیره، مشاور ارشد و عضو اصلی هیئت‌مدیره) انجام وظیفه کرده و در ابتدای تأسیس اوپک، به مدت شش ماه معاونت اجرایی آن سازمان در ژنو را عهده‌دار بوده‌است. موحّد در کنار مشاغل رسمی، به تدریس حقوق مدنی و حقوق نفت در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران پرداخت.

وی در طول زندگی خویش همواره مشغول تحقیق، تألیف و ترجمه بوده و آثار شاخصی از خود به یادگار گذاشته‌است که بی‌شک مهم‌ترین آنها تحقیق در متون عرفانی، به‌ویژه چاپ انتقادی مقالات شمس تبریزی است. کتاب ارج‌نامه محمدعلی موحّد به نام با قافله شوق دربرگیرنده مجموعه‌مقالاتی از دوستان، همکاران و شاگردان وی درباره زندگی و آثار موحّد، در دانشگاه تبریز توسط محمد طاهری خسروشاهی، از محققان حوزه ادبیات فارسی در آذربایجان، تدوین و منتشر شده‌است. موحّد از جمله عرفان‌پژوهانی است که مدفون بودن شمس تبریزی در خوی را به دلیل وجود مقبره‌ای با یک مناره در خارج از شهر خوی که از آغاز سده یازدهم میلادی به «مناره شمس تبریزی» معروف بوده، معتبر می‌داند.

موحّد در زمینه مسایل حقوقی نیز صاحب نظر بوده و دو کتاب «درس‌هایی از دوری‌های نفتی» و «نفت ما و مسائل حقوقی آن» به عنوان کتاب درسی در دوره کارشناسی ارشد حقوق تجارت به عنوان منبع درسی معرفی شده‌است. محمدعلی موحّد نخستین بار مسائل حقوقی نفت را وارد متون درسی دانشگاه کرد. در پژوهش‌های تاریخی نیز دکتر موحّد با کتاب چهارگانه « خواب آشفته نفت « اثری مهم و ماندگار را از خود بجای گذاشته‌است.

## کتاب‌شناسی

حدیقه‌الحقیقه، از ابوالفتح محمدین شیخ‌الاسلام احمد جام (زنده‌بیل) (تصحیح و تعلیق)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
یهکود کیتا (ترجمه)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۴.
نفت ما و مسائل حقوقی آن (تألیف)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹.
عزالت و انرزی، از ایوان ایلجی (ترجمه)، تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶.
سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه)، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
خزران، از آرتور کستلر (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱.
سلوک‌الملوک، از فضل‌الله روزبهان خنجی (تصحیح و تعلیق)، انتشارات خوارزمی ۱۳۶۲.
چهار مقاله درباره آزادی، از آیزایا برلین (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۶۹.
مقالات شمس تبریزی (تصحیح و تعلیق)، تهران: انتشارات خوارزمی، (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۶۹.
خُمی از شراب ربانی، گزیده مقالات شمس (تصحیح و تعلیق)، تهران، سخن، ۱۳۷۳.
اصطرباب حق، گزیده فیه‌مافیه (تصحیح و تعلیق)، تهران: سخن، ۱۳۷۵.
ابن‌بطوطه (تألیف)، تهران: طرح نو، ۱۳۷۸.
شمس تبریزی (تألیف)، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹.

گفته‌ها و ناگفته‌ها، تحلیلی از گزارش عملیات پنهانی سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تعلیقی بر کتاب خواب آشفته نفت (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برگزیده کتاب سال)، ۱۳۷۹.
میالعه مستعار، بررسی اسناد وزارت خارجه بریتانیا درباره مالکیت جزایر تنب و اوموسی (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۰.
مختصر حقوق مدنی (تألیف) با تجدیدنظر کامل، تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسارس‌سی، ۱۳۸۲.

درس‌هایی از داوری‌های نفتی، دفتر اول: قانون حاکم (تألیف)، تهران: نشریه نشریه دفتر ملی ایران (تألیف)، (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۸۴.
خواب آشفته نفت، دکتر مصطفی و نهضت ملی ایران (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۸۴.
ملی کردن و غرامت: درس‌هایی از داوری‌های نفتی، (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۴.
در هوای حق و عدالت (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برنده جایزه اندیشه)، ۱۳۸۴.
فصوص‌الحجم، ابن عربی (ترجمه و تعلیق)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۵.
مالات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، از دانیل دنت[۹] (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵.
شمس پرنده: ۴۸ غزل دیوان شمس تبریزی، (مقدمه)، تهران: نشر نظر، ۱۳۸۷.
باغ سبز: گفتارهای درباره شمس و مولانا (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۷.
قصه قصه‌ها، کهن‌ترین روایت از ماجرای شمس و مولانا (تألیف)، تهران: کارنامه، ۱۳۸۹.
دیباجای بر حقوق مدنی (تألیف)، تهران: جامعه حسابداران رسمی ایران، ۱۳۸۹.
علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۹۰.
در خانه اگر کس است، همراه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میناق‌های آن (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۰.
در جستجوی آینه: گزیده مقالات شمس تبریزی، (گردآورنده) تهران: نشر معین (همراه با لوح شنیداری با خوانش هوشنگ آزادی‌پور)، ۱۳۹۲.
تماشای خورشید: گزیده‌ای از مقالات شمس تبریزی (مقدمه)، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۳.
یاد گذشته و اندیشه آینده در تاریخ ایران و صنعت نفت ایران، (تألیف)، تهران: نشر نگاروی آفتاب، ۱۳۹۴.
شاهد عهد شباب (اولین مجموعه شعر)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۵.
رساله در مناقب خاوندگار از فریدون بن احمد سپهسالار (تصحیح)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۵.
سفرنامه ابن بطوطه، دوجلدی (ترجمه)، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۸ [۱۰].

مثنوی معنوی (تصحیح و مقدمه) انتشارات هرمس، ۱۳۹۶.
حق و سوء استفاده از آن ( تألیف)
**راوی: سید مسعود رضوی**
**ادامه در شماره بعد...**





برخی از بزرگان و زبندگان فرهنگ ایران را باید از شگفتی‌های تاریخ و فرهنگ قلمداد کرد. هر یک برای خود صفاتی دارند و روحیاتی که در هنگام گفت و شنید با استماع خطابه و حتی دیدار و ضیافت، جلوه‌گری و به مخاطبان گوشزد می‌کند که این آستان، منزلی دیگر دارد و قدر و قیمتی که در قیاس متعارف نمی‌توان آن را سودا کرد و سود و زیانش را دریافت. بلکه باید لحظه را، سخن را، نکته را، اندرز را، آموزه و برهان را به گوش سر شنید و به گوش جان نوشید. قبلا سخن علامه قزوینی را در همین ضمیمه نقل کردم که فرموده‌اند: آن‌گاه کسی بزرگ خواهد شد که محضر سخن را درک کند و شاگردی و فهم در این آستان، فقط آموختن علم و محفوظات معمول نیست، بلکه اشارات و شیوه بیان، تنبّهات و نکات خاص، طرز برخورد با مفاهیم و حتی کیفیت رفتار و نگاه و خویش و ابراز مطالب و... همه درس آموزند. فره و فرازنگی، والاّیی و منزلت با ارمان می‌آورند. پس این آموزه استاد علامه محمد قزوینی را کسانی که با بزرگان و دانشوران یگانه، مجالست و توفیق دیدار برای کسب علم و گفتگو داشته‌اند، خوب می‌یابند. گاه اقبال و بخت، این زمینه مساعد را برای امثال نویسنده فراهم ساخته تا زانو در مقابل بزرگان بر زمین زده و آنچه ناگفتنی است، و خریدنی نیست و بی‌هیچ گزافی، گوهر شیعرآج نایابی در سرزمین کرانه ناپیدی فرهنگ و ادب و فضیلت است را دریابم. باری، روشن است که هر کس به فراخور ظرفیت و شکیبایی و استداد و اشتیاقی که دارد از این مغرور و محتوا بهره خواهد برد و ای بسا که گنجایی اندک، با اذراک استدره برخی از ویژگان و پژوهندگان زنده یکسان نیست. این یک امر بدیهی است، اما چون که صد آمد نمود هم پیش ماست؛ همگان بهره می‌گیرند و کسی تشنه از این سرچشمه باز نخواهد گشت. بخت یک روزنامه نویس در مواجهه با بزرگان و فرازانگان میهن، در مواجهه با این فرصت و موهبت چیست و چه تواند بود؟ جز آنکه آنچه را آموخته و در پهنای اندیشه‌شو و زرقایی جان نهان داشته بازگوید تا خوانندگان گرامی نیز بداندند در این سرزمین بزرگ و کهنسال، که مامن عشق و آرزو و آمال ماست، چه مردان و زنان بزرگی را پرورش داده و بر درخت فرهنگ و فضیلت، بسان شکوفای رویانده است. این همه که به قلم فرسودهای می‌گویم، همان است که در مصرفته می‌یارد از دهلوی بیان شده و در تضمین اشرف خواسناری به بی‌تی ماندگار و زیبا بدل شده است:

این جهان همچون کتابی کهنه روپاروی ماست

عالمی محتاج تحقیق است و استعداد نیست

از این سخن‌ها در می‌گذرم، اما به گفته مرحوم استاد قصه‌نویس نامدارمان، سیدمحمدعلی جمال‌زاده، «قتی این مقدمات و تفصیلات را برای آغاز سخن و توصیف فضایل شخصی بر کاغذ می‌نویسم، کاری بی‌بهره نکرده‌ایم و به قول ادیبان، سخن فرسایی از جنس اطباب ممل نباید قلمداد شود، بلکه به مثَل، قابی است برای پرتوهای زیبا یا خط و نگاره‌ای که به قلم و خامه و قلم مو و مرکب و رنگ و روغن هنرمندی تحریر یا تصویر شده و آن پرازنده این، و این متناسب با آن است. کسی البته چشم از اصل هنر بر نمی‌دارد، اما شایسته است که شکوفه بر درخت باشد و میوه هم اگر آرد، خوش است.» اما کدام عاشقی به درخت و برگ و شکوفه نظر می‌دوزد تا دانه یا دامن میوه را به خانه بَرَد یا سیب و اناری به دارد؟ عاشق و شاعر میوه را دوست دارد زیرا اسزیننه، برگ‌ها را زیباتر می‌سازد؛ سعدی چه خوب فرموده بود که «تنگ چشمان نظر به میوه



کنند، ما تماشاکنان بستانیم و شگفتا از عبارت زیبای شاعری نوپرداز که استفهامی در پی شعر سهراب سپهری سروده بود. سهراب گفته است: تا اناری می‌ترکید دست فواره خواهش می‌شد... و شاعر اخیر ما نیز در تضمینی نوپردازانه گفت: اما چرا، ما عاجزیم، از فهم یک انار... از نظم عاشقانه سرخی، که دست را فواره خواهش، و دل را لبریز عشق خواهد کرد؟ دوست دارم کنار تو باشم، همچون سکوت دانه‌های انار در نظم یکرانه جویش! این دانه‌ها، رنگ ممتد عشق است، در آغوش هم، در اشتیاق سرخ انار...

باری، رشته سخن از کف رفت، اما در هر کجای هنر و ادبیات و فرهنگ ایران که واژگان بتازند، در زمین و سرزمین خویش تاخته‌اند یکی از استادان من در هنگام استشهاده به یکی از بیست‌های دشوار خاقانی، فرمود: استشهاده مانند پژواک صدا در کوهستان است، به تکرار و تائی یاز می‌گردد و آشناست، اما همان کلمات و همان سخن نیست. شاید آنچه ما می‌گوییم، به ویژه آنچه درباره بزرگان و نجبای فرهنگ و قلم در سرزمین ارجمند و رجاوند ایران می‌گوییم، همچون همان پژواک گیرا و گوارا در کوهستان‌های سرکش باشد، در البرز یا زاگرس، در سهند و سیلان یا دماوند و بلندی‌های مازندران، در کینو کوه و آریانه و اشتراک کوه یا در هر جای دیگر...

از جمله فرصت‌های مهم و متمتع برای نویسنده این سطر‌ها، که به بخت مساعد در شغل روزنامه‌نگاری فراهم شده، شناس و فرصت دیدار و مرادوت و مصاحبه با اندیشمندان و نویسندگان و هنرمندان بوده است. به ویژه حضور در کنار فرازانگانی که در طول چند دهه اخیر، دشوارترین ادوار حیات فرهنگی و تحولات میهن را نمایندگی کرده و از داشته‌ها و ارزش‌ها و مرزهای ادب و هنر و زبان و تمدن ایران دفاع کرده‌اند. شاید این وصف و این شیوه بیان، برای برخی خوشایند نباشد و بپرسند: مگر در حال جنگیم که نیاز به مدافعه است؟ پاسخ روشن است و هر که خرده هوش و دانشی دارد می‌داند چه پیکار سختی در راه بوده و در پیش خواهد بود. فرهنگ ایران، از زبان و ادب و موراثت معنوی و حتی اقلیمی، بیش از هر لحظه در تاریخ نیازمند مراقبه و نگاهبانی و بازایی و بالاتر از آن، پژوهش و آموزش است. خاصه در این عهد و روزگار که در فضای مجازی و جهان حقیقی، سنگ فتنه می‌یارد از متجینق فلک.

این دیدار به پاس خدمات و فضایل استاد دکتر محمدعلی موحّد، یادرتگی در گرامیداشت ایشان، تمهید و تدوین شده است. محقق و نویسنده و مترجمی که با آثار پرتعداد در عرصه‌های گوناگون، فرهنگ معاصر و اندیشه و زبان پارسی را برپایتر ساخته و هر یک از کتاب‌ها و آثارش، منبعی قابل اعتماد برای پژوهشگران و مآخذی قابل اعتنا در عرصه موضوعات مورد توجه ایشان است. به پاس بخت مساعد، فرصت دیدار استاد را در سال‌های اخیر یافته ام و در هر نوبت از خزانه دانسته‌ها و نکته‌های باریک و نادری که در سخن و اشارات استاد موحّد، به صورت سلسله‌ای از دانش و پرسش و گزارش و پژوهشی می‌تراود، بهره می‌گیرم، خوشبختانه فرصت‌های دیدار استاد در سال‌های اخیر با حضور بزرگان فرهنگ و ادب و اندیشه، از جمله استاد مصطفی ملکیان، دکتر شفیع کدکنی، دکتر نصرالله پور جوادی، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر سیدمرتضی مردی‌ها، استاد محمد جزایری و تنی چند از نویسندگان و مترجمان و صاحب نظران میسر شده است. مجالسی که حضور در آن مستلزم توقیف و ملازم درک و لذتی است که به سختی

این سخنان و بسیاری دیگر را در مواجهه با آثار و مسایل

مربوط به مولانا جلال‌الدین از استاد موحّد شنیدیم و خلاصه‌ای پریشان را نقل کردم. سال‌ها پیش وقتی در اوایل دهه ۱۳۷۰، پروفیسور آنه ماری شیمِل به ایران سفر کره بود، این سفر همزمان با چاپ تازه و تحسین‌انگیز «مقالات شمس تبریزی» به تصحیح استاد محمدعلی موحّد و نیز انتشار کتاب شیمِل با عنوان «شکوه شمس» به ترجمه استاد زنده یاد حسن لاهوتی بود. با آن بانوی دانشمند گفتگویی درباره شمس و مولانا ترتیب داده‌ام و من شخصا خدمت آنه ماری شیمِل فقید رسیدم و به عنوان دبیر، یک نسخه از مقالات شمس خدمت ایشان تقدیم کردم همراه با تقاضای مصاحبه و پرسش‌هایی که باید مطرح می‌شد. قرار شد فرادشب برای مصاحبه به هتل برویم. وقتی به

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۸ - سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۴۱

# معجزه فرهنگ

به احترام دکتر محمدعلی موحّد



می‌توان وصف و بیان کرد. با این همه، باید اذعان نمایم که متأسفانه دیدارها و گفتگوهای اهل فضل، همچون انجمن‌های ادبی و محافل فکری مؤثری که می‌تواند منشأ جست و جویی بی‌پایان و ابتداعات و مباحث نوین باشد، در کشور ما کم فروغ است. چرا جز برخی همایش‌های رسمی و صوری و پرهزینه، نباید شرایط سهل و ممتنی برای دیدار و گردهمایی صاحب نظران و نخبگان فراهم شود و به آزادی و عزت و سهولت، بگویند و بشوند و از دیدار همگنان بهره گیرند؟ این نکته‌ها را از جمله به زبان شیوا و بیان دیگری، استاد موحّد گفت و خاطرات جالبی از محفل‌های علمی گذشته را بازگو کرد.

چند هفته قبل که فرصت دیدار در منزل استاد موحّد واقع در لوسان فراهم شده بود، به همراه جمعی که برخی از آنان را نام بردم، خدمت استاد موحّد رسیدیم. کتاب آخر ایشان به نام «در کشاکش دین و دولت» به چاپ رسیده و نشر ماهی به صورت و محتوای پاکیزه‌ای آن را منتشر کرده است. در جلسه قبل که ماه مهر به دیدار استاد رفته بودیم، سخن از مثنوی و تصحیح اخیر ایشان به میان آمد. سپس توضیحاتی مفصل درباره ضرورت تصحیح جدید و تفاوت‌های مثنوی مصحح ایشان با چاپ‌های دیگر، از جمله استاد رینولد نیکلسون داد. به نظر من توجه به خواش درست کلمات در فضای زبانی و اجتماعی قریبه در قرن هشتم، همراه با درکی که از تصوف و خاتقاه و مفاهیم عرفانی تا آن زمان فراگیر شده بود، نقش مهمی در خواش مثنوی و حل و فصل ابهامات آن دارد. این هم محققان یا مصححان صرفاً براساس نسخه‌های قدیم و اقدم و اختلاف نگارش‌ها، به تصحیح پرداخته و فقط همان ملاک‌ها را معتبر شناخته‌اند، نمی‌تواند کرد گشای کتابی با این وسعت معانی و تمثیلات باشد. از استاد موحّد پرسیدم، آیا آن شیوه منسوخ شده است؟ پاسخ داند خیر، هیچ وقت منسوخ نخواهد شد و همیشه متن و نسخه خطی، معیار خواش متون قدیم است اما تکمیل شده و روش‌ها و اطلاعات تازه، ما را به درک تازه می‌رساند. قیاس در اینجا اهمیت دارد و اگر صاحب کار، اطلاعات و مطالعات کافی داشته باشد خیلی از مشکلات و مبهمات را با قیاس حل می‌کند. قیاس البته به معنای ادبی و در ارتباط با متن و نسخه و استعاره و اطلاعاتی که از فرهنگ و متون هر دوره داریم، این را با قیاس فقهی اشتباه نباید گرفت. به نظر من فروزانفر در عرصه مثنوی گام بزرگی برداشت.

آثارش مقدمه‌ای برای کارهای بعدی فراهم کرد و من و دیگر مصححان نیز از آن بهره‌مند می‌شویم. او شاید می‌توانست یک تصحیح خیلی خوب و دقیق از مثنوی عرضه کند اما جز همان شرح مختصر اول به صورت میوسج از مرحوم فروزانفر، باقی نماند و آن تحقیقات دیگر، یعنی «هاخذ قصص و تمثیلات» و «آیات و احادیث مثنوی» هم برای تصحیح نهایی لازم بود که البته روزگار فرصت نداد.

از استاد موحّد درباره تصحیح غزلیات شمس چاپ بدیع‌الزمان سواد کردم گفت اهمیت فروزانفر در هر کاری که مربوط به مولاناست غیرقابل انکار است اما دیوان کبیر نیاز به یک چاپ پاکیزه دارد که غزل‌های مکرر نباشد و قدیری وسواس و دقت بیشتر لازم است. به هر حال این یک کتاب ادبی خاص است و از هر جهت ممتاز و بی‌مانند. مولانا خود دریایی بوده و در دریای موج و پهناوری هم می‌رانده است. برای دست و پنجه نرم کردن با چنین اثری باید خیلی صبور بود. کاری که آقای شفیع کرده و آن اثر دوجلدی خیلی چیزها را روشن کرده است و یک قدم خوب و بزرگ در این مسیر است اما به نظر من همان چاپ فروزانفر باید منقح و تدوین شود. کاری سنگین است.

دیدار آن بانوی بزرگوار و فقید رفتم گفتگو کنیم. همان آغاز سخن گفت که دیشب تا صبح مشغول مطالعه مقالات شمس بودم. آنچه جناب موحّد گردآوری و تصحیح کرده و آنچه در مقدمه و توضیحات اضافه کرده است، حیرت‌انگیز است. برای من ارغمانی بی‌مانند است و از جانب من سلام و سیاسی به ایشان برسانید. نسخه کوتاه شده‌ای از گفتگوی ما در همان سال در روزنامه همشهری و متن کامل و مفصل آن با عنوان «نگیختن غبار دریاها» چند سال بعد در اطلاعات حکمت و معرفت به چاپ رسید. آنه ماری شیمِل با آن فارسی فصیح و شیرین و متین، اما لچه‌دار، از داشتن متنی همچون «مقالات شمس» که افزونه و کمالی نسبت به چاپ‌های دیگر داشت

و تا بالاترین درجات (مشاور عالی رئیس هیأت‌مدیره، مشاور ارشد و عضو اصلی هیئت‌مدیره) انجام وظیفه کرده و در ابتدای تأسیس اوپک، به مدت شش ماه معاونت اجرایی آن سازمان در ژنو را عهده‌دار بوده‌است. موحّد در کنار مشاغل رسمی، به تدریس حقوق مدنی و حقوق نفت در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران پرداخت.

وی در طول زندگی خویش همواره مشغول تحقیق، تألیف

و ترجمه بوده و آثار شاخصی از خود به یادگار گذاشته‌است که بی‌شک مهم‌ترین آنها تحقیق در متون عرفانی، به‌ویژه چاپ انتقادی مقالات شمس تبریزی است. کتاب ارج‌نامه محمدعلی موحّد به نام با قافله شوق دربرگیرنده مجموعه‌مقالاتی از دوستان، همکاران و شاگردان وی درباره زندگی و آثار موحّد، در دانشگاه تبریز توسط محمد طاهری خسروشاهی، از محققان حوزه ادبیات فارسی در آذربایجان، تدوین و منتشر شده‌است. موحّد از جمله عرفان پژوهانی است که مدفون بودن شمس تبریزی در خوی را به دلیل وجود مقبره‌ای با یک مناره در خارج از شهر خوی که از آغاز سده پانزدهم میلادی به «مناره شمس تبریزی» معروف بوده، معتبر می‌داند.

موحّد در زمینه مسایل حقوقی نیز صاحب نظر بوده و دو کتاب «درس‌هایی از دوری‌های نفتی» و «نفت ما و مسائل حقوقی آن» به عنوان کتاب درسی در دوره کارشناسی ارشد حقوق تجارت به عنوان منبع درسی معرفی شده‌است. محمدعلی موحّد نخستین بار مسائل حقوقی نفت را وارد متون درسی دانشگاه کرد. در پژوهش‌های تاریخی نیز دکتر موحّد با کتاب چهارگانه « خواب آشفته نفت « اثری مهم و ماندگار را از خود بجای گذاشته‌است.

**کتاب‌شناسی**  
حدیقه‌الحقیقه، از ابوالفتح محمدین شیخ‌الاسلام احمد جام (زنده‌ییل) (تصحیح و تعلیق)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.  
یهکود کیتا (ترجمه)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۴.  
نفت ما و مسائل حقوقی آن (تألیف)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹.  
علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶

سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه)، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱  
خزران، از آرتور کستلر (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱  
سلوک‌الملوک، از فضل‌الله روزبهان خُنجی (تصحیح و تعلیق)، انتشارات خوارزمی ۱۳۶۲  
چهار مقاله درباره آزادی، از آیزایا برلین (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۶۸  
مقالات شمس تبریزی (تصحیح و تعلیق)، تهران: انتشارات خوارزمی، (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۶۹  
خُمی از شراب ربانی، گزیده مقالات شمس (تصحیح و تعلیق)، تهران، سخن، ۱۳۷۳  
اصطرباب حق، گزیده فیه‌مافیه (تصحیح و تعلیق)، تهران: سخن، ۱۳۷۵  
ابن‌بطوطه (تألیف)، تهران: طرح نو، ۱۳۷۸  
شمس تبریزی (تألیف)، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹

گفته‌ها و ناگفته‌ها، تحلیلی از گزارش عملیات پنهانی سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تعلیقی بر کتاب خواب آشفته نفت (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برگزیده کتاب سال)، ۱۳۷۹  
مبالغه مستعار، بررسی اسناد وزارت خارجه بریتانیا درباره مالکیت جزایر تنب و اوموسی (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۰

مختصر حقوق مدنی (تألیف) با تجدیدنظر کامل، تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسارس، ۱۳۸۲

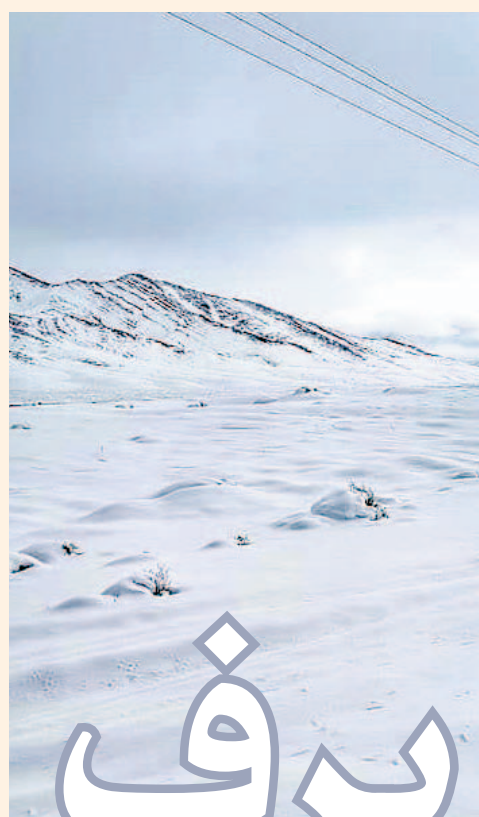
درس‌هایی از داوری‌های نفتی، دفتر اول: قانون حاکم (تألیف)، تهران: نشریه دفتر ملی ایران (تألیف)، (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۸۴  
خواب آشفته نفت، دکتر مصطفی و نهضت ملی ایران (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۸۴  
ملی کردن و غرامت: درس‌هایی از داوری‌های نفتی، (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۴  
در هوای حق و عدالت (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برنده جایزه اندیشه)، ۱۳۸۴  
فصوص‌الحکم، ابن عربی (ترجمه و تعلیق)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۵  
مالات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، از دانیل دنت[۹] (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵  
شمس پرنده، ۴۸ غزل دیوان شمس تبریزی، (مقدمه)، تهران: نشر نظر، ۱۳۸۷  
باغ سبز: گفتارهای درباره شمس و مولانا (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۷  
قصه قصه‌ها، کهن‌ترین روایت از ماجرای شمس و مولانا (تألیف)، تهران: کارنامه، ۱۳۸۹  
دیدگاهی بر حقوق مدنی (تألیف)، تهران: جامعه

حسابداران رسمی ایران، ۱۳۸۹  
علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۹۰  
در خانه اگر کس است، همراه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میناق‌های آن (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۰  
در جستجوی آینه: گزیده مقالات شمس تبریزی، (گردآورنده) تهران: نشر معین (همراه با لوح شنیداری با خواش هوشنگ آزادی‌ور)، ۱۳۹۲  
تماشای خورشید: گزیده‌ای از مقالات شمس تبریزی (مقدمه)، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۳  
یاد گذشته و اندیشه آینده در تاریخ ایران و صنعت نفت ایران، (تألیف)، تهران: نشر نگاروی آفتاب، ۱۳۹۴  
شاهد عهد شباب (اولین مجموعه شعر)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۵  
رساله در مناقب خاوندگار از فریدون بن احمد سپهسالار (تصحیح)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۵  
سفرنامه ابن بطوطه، دوجلدی (ترجمه)، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۸ [۱۰]  
مثنوی معنوی (تصحیح و مقدمه) انتشارات هرمس، ۱۳۹۶  
حق و سوء استفاده از آن ( تألیف)

**راوی: سید مسعود رضوی**  
**ادامه در شماره بعد...**







## برف در کویر

علی اکبر جعفری ندوشن

اولین برف سال در کویر آمد و ساکنان سرزمین کاریزها را دلشاد کرد. از دیرباز نیاکان ما در ولایت مان ترسالی را در چند بارش برف انداز می جستند. چون برف کم کم آب می شود. بجای آن که سیلاب‌های سطحی راه بیندازد و خرابی به بار آورد، آرام آرام در نسوج زمین نفوذ می کند یکنواخت و یکدست در زمین می خلد و نرم نرمک در خلل و فرج آن فرو می غلند و آهسته آهسته رگه های کوچکی پدید می آورد که از دهلیزهای زمین نشت می کند و از فواصل گوناگون با ترکیب و طعم جوراچور گرد هم می آید. سپس چون مویرگ های جاری بهیم پیوسته جویبارک های باریکی پدید می آورد و چنان سر بر سرهم می گذارد و در هم می آمیزد و غلت زنان در هم غوطه می خورد که آبی مرکب از خواص گونه گون پدید می آورد و وقتی از میان گل و لای و سنگ ریزه ها می گذرد و نم نم می پالاید به مجرای کاریز فرو می ریزد و نهی مصفا می سازد که دلارام و سرانداز در مظهر قنات خُج به آفتاب می نماید تا عطشی فرو نشاند یا رویی را به زلالی خود بشوید یا تفتیده ای را خنکایی مطبوع ببخشد و سرانجام هم دشتی را مشروب می سازد که در دامن خود گل و ریحان می پروراند. سرشت برف، دانه های پاک و صیقل خورده آب آسمانی است که با پوشش و پالایش دمامد خود به سرنوشتی زلال از سبزی و طراوت زاینده طبیعت می انجامد.

برف زندگی رام و آرام و زاینده ای را می نماید که ما از سر و لع های کور این زمانه از آن دور افتاده ایم. دعا کنیم برف ببارد شاید منش ملایم و پایدارش بر حیات شتابناک ناسرانجامان نیز مؤثر افتد.

( این مطلب کوتاه، مدتی پیش به دست ما رسید اما به دلایلی نتوانستیم آن را منتشر کنیم؛ اما برف کویر همواره تازه است و امیدواریم این سپید پاک همواره بر این خاک جاودانه برکت و زیبایی ارزانی کند.)



محمدرضا حیدرزاده

نفوذ دکتر یالوم به قلب انسان با روانشناسی و فلسفه

## زندگی با روان درمانی

انتشار کتاب تازه ای از اروین د. یالوم / ترجمه: سپیده حبیب / انتشارات: قطره

که همسرانشان را تازه از دست داده بودند. من با هر یک از آنها مصاحبه مفصلی کرده بودم و همگی شان با «گروه درمانی» کوتاه مدت در گروه های هشت نفره درمان شده بودند. تیم تحقیقاتی مان، پیشرفت آنها را یک سال پیگیری کرده بود و به این ترتیب، کوهی از اطلاعات جمع آوری شده بود و چند مقاله هم در مجلات معتبر تخصصی منتشر کرده بودیم. داشتم متقاعد می شدم کمتر کسی پیدا می شود که بیش از من در این باره بداند. به عنوان یک «سوگ درمانگر» ماهر، چطور وجدانم اجازه می داد توانایی هایم را از «یرن» دریغ کنم؟

بعلاوه، دوستان و آشنایان من از آن قدر باهوش هستم که بتوانم او را درمان کنم؛ این بهتر نمی شد. دوشاخه را به پرز غرور من وصل کرد. در داستان هفت درس پیشرفته در درمان سوگ، خانم «ایرن» در خلال یکی از جلسات روان درمانی به تشریح خواب خود می پردازد و دکتر یالوم دو متن در این خواب را برای مخاطبان خود تشریح می کند. یک متن باستانی و یک متن نوین که «ایرن» باید آن را به خاطر می آورد.

در داستان دیگری از کتاب «هامان و معنی زندگی»، وابستگی فرزندی را به مادر متوفی مشاهده می کنیم؛ مادری که در زمان حیاتش نه تنها پسرش به او افتخار نمی کرد بلکه باعث خجالت او می شد و به قول پسر، حالا بعد از مرگ مادر، در رویایی که ۱۰ سال بعد از مرگ او می بیند تأیید و نظر مادرش را در مورد خود می خواهد... دکتر یالوم به این نتیجه می رسد که کودکانی که در خانواده های ناکارآمد رشد می کنند، اغلب به سختی از آنها جدا می شوند، در حالی که کودکان والدین خوب و مهربان، با تعارض کمتری از آنها فاصله می گیرند، اصلاً مگر یکی از وظایف والدین قادر ساختن کودک به ترک خانه نیست؟

او در این داستان کوتاه، به خوبی نشان می دهد که همه در پشت داستان به ظاهر خشک و خشن، واقعیت هایی به وسعت یک عمر دارند که اگر بدون قضاوت بررسی شوند، مشکلات اطرافیان هم با آنها حل می شود.

پسر داستان که حالا مرد بالغی است بعد از مرور بدون قضاوت زندگی خود و مادرش، تازه مادر و علت رفتارهای او را درک می کند. به او می گوید: مامان ما باید از هم جدا بشیم، ما نباید همدیگر رو به زنجیر بکشیم. در اصل هر آدمی تو دنیا تنهاست و باید با این مسأله روبرو بشه چون به صلاح خودش و انسان شدن این جوریه.

دکتر یالوم، در این کتاب سعی دارد تجربیات «روان درمانی» خود را داستان وار بیان کند و در این روایت جذاب، ما را با انواع اصطلاحات تخصصی آشنا می سازد: «کوشیدم هم قصه گو باشم و هم آموزگار»، به این ترتیب، خواننده کتاب، یک دوره آموزشی جذاب در مورد علم روانشناسی را پشت سر می گذارد.

دکتر یالوم در کتاب خود، شش داستان را در شش موقعیت تقریباً متفاوت روایت می کند، تعدادی از این داستان ها در اتاق های روان درمانی و جلسات مشاوره ای رخ داده که ممکن است هر انسانی تجربه ای متفاوت از آن را داشته باشد و تعدادی هم روایت انسان هایی است که با مشکلات روحی و روانی و گاه جسمی روبرو هستند و دکتر یالوم در دل هر داستان، ضمن تشریح بیماری ها، راهکارهای خود برای مقابله با آنها را ارائه می دهد.

نویسنده به نقش بیمار در آموزش پزشک هم اشاره می کند و در روایت داستان همنشینی با پائولا (اشاره واقعی به تجربیات درمانگری خود) می گوید: از پائولا آموختم هراسی که فرد، هنگام اطلاع از ابتلا به یک بیماری کشنده تجربه می کند، با کناره گیری اطرافیان چندبرابر می شود. انزوای بیمار رو به موت، با روش ابلهانه کسانی که می کوشند نزدیکی مرگ را پنهان کنند، تشدید می شود. ما می کوشیم زندگی را دو نفره تجربه بکنیم ولی هر یک از ما مجبوریم تنها بمیریم.

پس از جلسه، گروه بیماران شروع کردند به متفرق شدن در باز شد و پرستاران آمدند تا بیماران را در خارج شدن از اتاق کمک کنند. یکی از بیماران به نام «ماگنولیا» را با نگاه بدرقه کردم، در حالی که روی صندلی چرخدار داشت خودش را می خاراند.

در بحثی که به دنبال جلسه گروه داشتیم، از ثمره زحماتم لذت بردم. دستیاران سرشار از تحسین بودند. آن چه بیش از همه تحت تأثیر قرارشان داده بود، مشاهده صحنه شکل بخشیدن به چیزی بود که به نظر هیچ می آمد.

اول جلسه، ماگنولیا رسوخ ناپذیر به نظر می آمد. گفتم کار سختی نیست، اگر کلید درست را بیابید، می توانید دریچه درد و رنج هر آدمی را بگشایید. آن کلید برای ماگنولیا متوسل شدن به یکی از عمیق ترین ارزش های زندگی اش بود؛ یعنی آرزوی خدمت به دیگران.

با متقاعد کردنش به این که اگر اجازه بدهد دیگران به حالش مفید باشند، می تواند به آنها کمک کند، به سرعت مقاومتش را در هم شکستم.

در مجموع به گروه بیماران نشان داده بودم چیزی به عنوان بیمار خسته کننده یا گروه بی محتوا وجود ندارد. در هر بیمار و در هر موقعیت بالینی، هسته یک نمایش سترگ انسانی نهفته است و هنر روان درمانی، جان بخشیدن به این نمایش است.

نیچه گفته است: «ما نیازمند هنر هستیم تا حقیقت، هلاک مان نکند». با این حال، من آفرینش را برترین مسیر می دانم و همه زندگی ام، همه تجربیاتم، همه تصوراتم را به سوی کومه ای درونی و پر جوش و خروش معطوف ساخته ام و می کوشم هر چند گاه یک بار به این توده مرکب، شکل دهم و چیزی نو و زیبا بیافرینم...»

\*\*\*\*\*

«دکتر اروین د. یالوم» روانشناس و استاد بزرگ روانپزشکی دانشگاه استنفورد آمریکا، که نخستین بار با

نوشتن کتاب «وقتی نیچه گریست» شهرتی جهانی پیدا کرد و کتابش به اکثر زبان ها ترجمه و در کشورهای جهان از جمله ایران با استقبال مواجه شد. در آخرین کتابش «هامان و معنی زندگی»، پوسته دیگری از زندگی آدم هایی «روان پریش» را می شکافد که آملدی به آینده ندارند اما با شیوه های «روان درمانی» دکتر یالوم، چالش های زندگی خود را پشت سر گذاشته و هم اکنون در آرامش و آسایش زندگی می کنند.

این کتاب داستانی است از گفتگو های پزشک و بیمارانش، قصه آدم های بریده از زندگی و تلاش های پزشکی که با «گفتار درمانی» آنها را به زندگی باز می گرداند.

دکتر لستون هاووز (استاد روانپزشکی دانشکده پزشکی هاروارد و بیمارستان کمبریج) در باره این کتاب می گوید:

«اروین یالوم باز هم مبهوتان کرده است. سرزندگی، فصاحت، خرد، شجاعت و توان گوش دادن و آموختن که از این کتاب می تراود، آن را ماندگار می سازد.»

دکتر یالوم در کتاب خود می نویسد: مدت ها پیش «ارل» یکی از دوستان قدیمی ام تلفن زد و خبر داد که برای نزدیک ترین دوستش، یعنی «جک» تشخیص تومور مغزی بدخیم و غیرقابل عمل داده اند. تا آمد اظهار همدردی کنم، گفت: «بین برای خودم نیست که زنگ زدم، برای یک نفر دیگر است، یک لطفی بکن، این موضوع برایم خیلی مهم است. بین حاضری «یرن» همسر جک را درمان کنی؟ جک دارد به طرز فجیعی می میرد، شاید سخت ترین مرگی که زندگی برای آدم رقم می زند این که «یرن» جراح است چیزی را عوض نمی کند. او بیش از آنچه باید می داند و خیلی دردناک است که همین طور درمانده بایستد و تماشا کند چطور سرطان، دارد مغز همسرش را می بلعد و بعدش هم او می ماند با یک دختر نوجوان و یک کار تمام وقت. آینده اش مثل کابوس است...»

به تازگی با یکی از همکارانم، تحقیق تجربی سه ساله ای را در زمینه «سوگ همسر» به پایان برده بودیم، هشتاد زن و مرد را بررسی کرده بودیم





## هیچ چیز جای کتاب خواندن را نمی گیرد



● کورد زکری (مجید)

«ناگهان احساس کردم که شعله‌های سرکش آتش مرا در کام خود کشید»

از آن به بعد بود که زندگی «گوستاو فلور» رنگی دیگر به خود گرفت. خانواده‌اش «صرع» او را لاپوشانی می‌کردند و از آن به عنوان «بیماری عصبی» نام می‌بردند. اما گوستاو، مگر بچه بود که بشود سر او را گول مالید و سپس یک کلاه گشاد بپوشاند کلاهش! تا کی می‌شود جلو یک جوان ۲۳ ساله نمایش درآورد و نقش بازی کرد؟ ماه که همیشه پشت ابر نمی‌ماند.

از این به بعد است که گوستاو خود را متقاعد و باورمند می‌کند کمتر در می‌خانه‌ها آفتابی شود و به جز آن، رودریاستی با پدر را - که آرزومند بود گوستاو، حقوق‌دان بشود- کنار بگذارد و خود را از شر کتاب‌ها و جزوه‌های حقوقی خلاص کند و با دانشکده حقوق بدرود گفته و خود را در «هنر» ذوب و حل کند. او نویسندگی را پیشه خود می‌کند؛ باشد که نام و عنوانی برای خود دست و پا کند.

اکنون جهان نویسندگی و دنیای ادبیات آغوش خود را برای پذیرفتن او گشوده تا وی در این جهان شگفتی‌زا وارد شود و گام به گام پیش‌رود و پیش‌رفت‌ن اجتناب‌ناپذیر است: خلق رمان «مادام بوواری» و پیدایش «جنبش رئالیسم» و بعد «می‌خواهم تاریخ معنوی انسان‌های نسل خود را بنویسم. این تاریخ اگر احساسی باشد حقیقی‌تر است؛ اثری است عاشقانه و سودایی، اما سودایش به گونه‌ای است که اکنون می‌تواند باشد؛ یعنی غیر فعال.»<sup>(۱)</sup> «تربیت احساسات [آموزش عاطفی]» ماحصل و نتیجه این کوشش و تلاش فکری او بود. آن‌گاه کتاب «سه داستان» از زیر قلم ریزیش بیرون آمد که پسند افتاد.

مگر نوشتن واژه و جمله و سطر و پر کردن یک صفحه برای فلور به این سادگی است! اگر گمان می‌کنید که او از آن دسته از نویسندگانی است که با واژه‌ها راحت است به گونه‌ای که می‌تواند در کمترین زمان، یک یا دو صفحه و شاید بیشتر از آن را سیاه کند و سپس نفسی از سر آسودگی بکشد؛ سخت در اشتباه هستید!

هر زمانی که فلور آهنگ نوشتن می‌کند، یا خود را همچون سربازی می‌بیند که در خط مقدم میدان کارزار در حال نبرد است یا در وسط بوستانی پر از گل. اما حتی انتخاب و چین گل‌ها به‌هیچ‌روی سهل و آسان نیست، گل‌ها از خارها پوشیده‌اند. پس او باید با تیزی بی‌نهایت، واژه‌هایی را برگزیند که خم به ابروی خواننده نیاورد و روان نازک و لطیف او را مجروح نکند. کلنجار رفتن با واژه‌ها و مشکل‌پسندی، از عادت‌های شناخته‌شده گوستاو فلور است. گاه پیش می‌آمد که چرخ نوشتن، برای تنها یک واژه از حرکت بازمی‌ایستاد. این ایستادن و توقف، ساعت‌ها و بعضاً حتی چند روز به درازا می‌کشید. آه که واژه‌ها زیر دست او چه زجری تحمل می‌کردند و چه عذاب می‌کشیدند!

فلور سوای این که در گزینش واژه‌ها و نوشتن جمله‌ها، وسواس داشت؛ بر این اصل نیز پای می‌فشرد که یک نویسنده باید توانایی و شجاعت این را داشته باشد که بتواند احساسات شخصی خود را مهار کند. از این روی می‌گفت: «هنرمند باید در اثر خود، بسان خداوند در عالم آفرینش، ناپیدا و قادر مطلق باشد؛ وجودش همه جا محسوس باشد، اما به چشم دیده نشود.»<sup>(۲)</sup>

باید دانست رمانی که از زیر دست فلور بیرون می‌آمد، مسیری سخت و روندی دشوار را پشت سر می‌نهاد: صدها صفحه در چرک‌نویس سیاه می‌شد، سپس این صدها صفحه در بازخوانی و بازنگری به شدت کاهش می‌یافت. یک مبارزه نفس‌گیر، بی‌رحمانه و بدون ملاحظه؛ طوری که «در این مبارزه سه‌مناک برای تصحیح متن»، بیشتر از یک سوم نوشته‌ها خط می‌خورد و حذف می‌شد. آیا این برای فلور راحت بود؟ او که پارهای وقت‌ها برای نوشتن یک صحنه، پیه رنج سفر را به خود می‌مالید و ساعت‌های طولانی مثل مجسمه پشت میز کارش می‌نشست تا روی یک جمله کار کند و بعد که موفق می‌شد جمله دلخواهش را «به هزاران شیوه گوناگون جست‌وجو، مطالعه، بررسی، واری و زیر و رو کند»<sup>(۳)</sup> و آن‌گاه آن را به صدای بلند بخواند تا بدین شیوه آهنگ و وزن و کارایی واژه‌ها و جمله‌ها را بسنجد و سرش گیج برود و گلویش بسوزد، به‌راستی حذف و زدودن بخش بزرگی از نوشته‌ها هولناک و کشنده است. پزشک جراحی را درنظر بگیرد که در اتاق عمل، درحال عمل جراحی روی فرزند دل‌بندش است! فرزند بایست نجات پیدا کند و به زندگی‌اش ادامه بدهد. اجازه بدهید مثالی لطیف‌تر عرضه کنم؛ باغبان برای ادامه حیات- حیات بانشاط و سرزنده و

سبز- درختان، ناچار از هرس آن‌هاست: شاخه‌های اضافی را می‌بایست از تنه درختان برید و قربانی کرد تا باغ به‌راستی «باغ» بماند؛ یک باغ منحصربه‌فرد و بی‌مانند. از این روست که او برای نوشتن یک صفحه، واژه‌ها و جمله‌ها را چنان با احتیاط و دوراندیشی برمی‌گزیند که انگار دارد در میدان مین راه می‌رود! فلور سخت بر این گمان بود که اگر قرار است با هنر زندگی کند و در فضای هنر نفس بکشد، پس باید راه را با نوشتن ادامه داد. باید دانست که فلور در پایان این جرح و تعدیل‌ها از پا در می‌آمد؛ خسته و کوفته و چالانده می‌شد؛ طوری که بعد دست به هیچ کاری نمی‌زد مگر خواب و استراحت.

### \*محاکمه فلور\*

هنگامی که رمان «مادام بوواری» - این به‌راستی نخستین رمان مدرن و نوین- راهی کتابفروشی‌ها شد و دست‌به‌دست گشت، قوه قضایی وقت، آن را زشت و ناپسند شمرد و نویسنده‌اش را برای «بی‌اخلاقی و جریحه‌دار کردن عفت عمومی» تحت تعقیب و پیگرد قرار داد. در این وسط، شماری از مدعیان داستان‌شناسی، هیزم به آتش این ماجرا انداختند با این ادعا که فلور قواعد ادبیات را نادیده گرفته و اصول متعارف رمان‌نویسی را «عمیقاً» نقض کرده است!<sup>(۴)</sup> و دادستان هشدار می‌دهد: «باید نسبت به نوشته‌های فلور هشیار باشیم؛ زیرا [قلم او] ذهن مردم را مسموم می‌کند»

اما واکنش فلور ۳۶ ساله به این جنجال آفرینی‌ها جالب و دلنشین است. او در نامه‌ای به یکی از دوستان خود، دادگاه و جلسه محاکمه‌اش را چنین به سخره گرفته ریشخند می‌کند: «دوست عزیزم! به استحضارتان می‌رسانم که ساعت ده صبح فردا، ۲۴ ژانویه، جایگاه شهادت را در بخش ششم پلیس جنبه به حضور خود مفتخر خواهم کرد. حضور خانم‌ها بلامانع و پوشیدن لباس خوب و آبرومندانه الزامی است.»

سپس در ادامه، ناامیدی خود را از روند جهت‌دار و بی‌طرفانه دادگاه آشکار نموده بیان می‌دارد: «به رعایت عدل و انصاف هیچ امیدوار نیستم. مرا محکوم خواهند کرد؛ و شاید به حکاکتر مجازات. این پاداش نیکوی کارهای من و تشویق شایسته‌ای است که نثار ادبیات می‌گردد.»<sup>(۵)</sup>

اما وجود این روزنه پرفروغی را روبه‌روی خود می‌بیند. همین روزنه او را دلگرم می‌کند تا چرخ دستگاه دادگاه را به چالش کشیده در چاله‌های پرخطر بیندازد: «اما در کنار همه این رویدادهای احمقانه یک چیز مایه تسلی و دلگرمی است و آن علاقه‌ای است که مردم نسبت به من و کتابم نشان می‌دهند.»

و بعد او که یازده سال پیش در نامه‌ای با قلمی سرد و پریأس گفته بود:

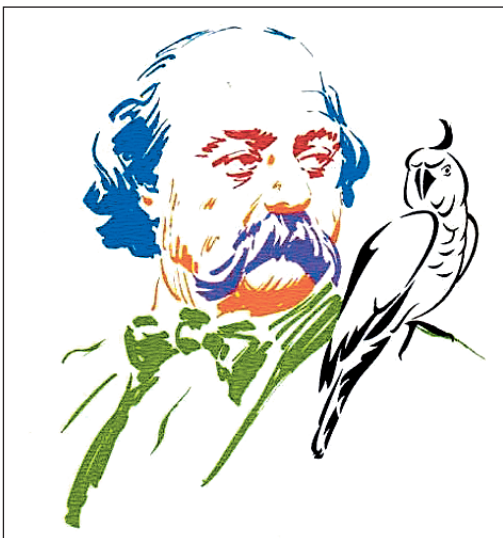
### CLASSIQUES

## Gustave Flaubert L'Éducation sentimentale



TEXTE INTÉGRAL  
+ LES CLÉS DE L'ŒUVRE

POCKET



«خیلی بعید است که زمانی مردم یک سطر از نوشته‌های مرا بخوانند و اگر چنین اتفاقی هم بیفتد، بیش از ده سال نخواهد بود.» اینک وی در همان نامه، امیدوارانه و گرم و پرشور می‌نویسد: «اگر اثر من [مادام بوواری] واقعا ارزش داشته باشد، دلم به حال کسانی که آن را تحت تعقیب قرار داده‌اند می‌سوزد. این کتاب که آنان درصد نابودی‌اش هستند در آینده به خاطر همین زخم‌هایی که آنان بر پیکرش زده‌اند، بهتر خواهد زیست.»

پیش‌گویی فلور درست از آب درآمد. مادام بوواری - که در قالب و چارچوب استاندارد رمان‌نویسی آن عصر نوشته نشده بود- نظر‌ها را به سوی خود چرخاند و بیش از پیش خوانده شد. همیشه که نباید در به روی یک پاشنه بچرخد!

باری! محاکمه صورت گرفت. دادستان و آتش بیاران معرکه اما طرقی نبستند و راه به جایی نبردند و نویسنده و ناشر مادام بوواری تبرئه شدند. این داستان باعث شد که مادام بوواری، مرکز توجه‌ها قرار بگیرد و کامیابی‌هایی برای نویسنده‌اش به ارمغان آورد.

اکنون با گذشت ۱۶۰ سال از نگارش و چاپ مادام بوواری، این کتاب هنوز سرحال و سرزنده نفس می‌کشد و زندگی می‌کند و جان و روان کتابخوان‌ها را - به‌رغم پایان غم‌انگیزش- سر شوق و شادی می‌آورد.

### \*بهترین پناه‌گاه\*

گوستاو فلور، «هنر» را بهترین پناه‌گاه و تنها راه نجات و رهایی انسان از روزمرگی‌ها و درگیری‌های بی‌هدف می‌داند؛ چنان که گفته است: «زندگی چنان کره است که تنها راه تحمل آن اجتناب کردن از زندگی است؛ و راه اجتناب از زندگی نیز پناه‌برده به عالم هنر و جست‌وجوی وقفه‌ناپذیر حقیقت نهفته در زیبایی است.»<sup>(۶)</sup>

این نویسنده شهیر و پرآوازه فرانسوی، زندگی را پایان‌ناپذیر می‌داند و این چنین است که می‌گوید: «غایت زندگی را نه هیچ نابغه‌ای می‌داند و نه در کتابی نوشته شده؛ زیرا بشریت همواره در حال حرکت است و به سرمنزل مقصود نمی‌رسد.»<sup>(۷)</sup> سپس با قلمی برافروخته و آشوب‌ناک می‌نویسد: «افراد سخیف و کوتاه‌بین، خودستایان و مشتاقان می‌خواهند از هر چیز نتیجه‌ای بگیرند؛ هدف زندگی و بُعد لایتناهی را جست‌وجو می‌کنند. با دست‌های حقیرشان مُشتی شن برداشته و به آقیانوس می‌گویند: «می‌خواهم شن‌های ساحل را بشمارم.» ولی وقتی شن‌ها از میان انگشتان دست‌شان فروریخت و شمارش به درازا کشید، [از سر بی‌چاری و درماندگی] پای بر زمین می‌کوبند و گریه سرمی‌دهند.»<sup>(۸)</sup>

به گمان فلور، هیچ لذتی نمی‌تواند جای لذت مطالعه و کتابخوانی را بگیرد. بخوانید: «هیچ چیز جای کتاب‌خواندن را نمی‌گیرد... [زیرا] در شور مطالعه لذایذ مطلوبی نهفته است که به جان‌های فاخر تعلق دارند.»<sup>(۹)</sup>

### پی‌نوئیس:

۱ و ۲. نوشتار «گوستاو فلور؛ ستیزی دایمی با واژه‌ها». ترجمه سیروس سعیدی. ماهنامه ادبیستان؛ شماره ۳۴؛ مهرماه ۱۳۷۱.

۳. این جا به‌یاد جمله‌ای از یک نویسنده بیگانه افتادم. او نوشته بود: «اگر هنرمند [نویسنده] سعی در تقلید از پیشینیان خود داشته باشد، طبیعت واقعی و قریحه هنری‌اش را از دست می‌دهد.»

۴ و ۵. نوشتار «گوستاو فلور؛ ستیزی دایمی با واژه‌ها». ترجمه سیروس سعیدی. ماهنامه ادبیستان؛ شماره ۳۴؛ مهرماه ۱۳۷۱.

۶. چنان که «سامرست موام» - داستان‌سرای انگلیسی (۱۹۶۵-۱۸۷۴) - هم در این باره چنین نوشته است: «فلور معتقد نبود که زیستن، هدف زندگانی است؛ برای او، هدف حیات، نوشتن بود.»

۷ و ۸. نوشتار «گوستاو فلور؛ ستیزی دایمی با واژه‌ها». ترجمه سیروس سعیدی. ماهنامه ادبیستان؛ شماره ۳۴؛ مهرماه ۱۳۷۱.



